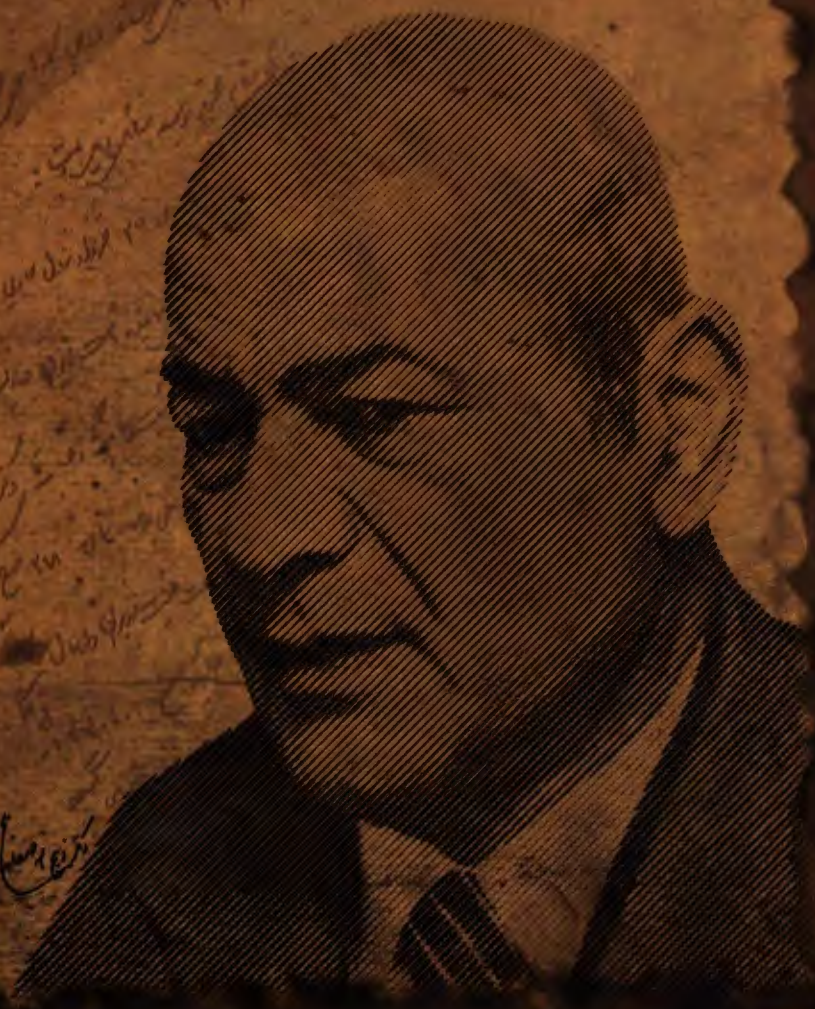


ارج نامه ذبیح اللہ صفا

نقد و بررسی آثار و جستارهای متن شناسی

سید علی آل داود



Essays in Honor of

Zabihollah Safa

A Review of his Works with Essays in Text Criticism

Sayyed Ali Ale davood



ISBN: 978-600-203-006-1



9 786002 030061



Miras-e Maktoob
Tehran-2011



-
- سرشناسه : آل داود، علی، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور : ارج نامه ذبیح الله صفا: نقد و بررسی آثار و جستارهای متن شناسی /
علی آل داود.
مشخصات نشر : تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : دوازده، ۶۲۲ ص.: مصور.
فروست : میراث مکتوب؛ ۲۱۶، ارجنامه ها؛ ۶
شابک : ۱۵۹۰۰۰ ریال : 978-600-203-006-1
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع : صفا، ذبیح الله، ۱۲۹۰ - ۱۳۷۸.
رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ۸۳ ی ۲۳ ف/ ۸۱۳۴ PIR
رده بندی دیویی : ۸ / ۳۶۲ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۸۷۰۲۶
-

ارج نامه ذبیح اللہ صفا

نقد و بررسی آثار و جستارهای متن شناسی

سید علی آل داود



ارج نامه ذبیح الله صفا

نقد و بررسی آثار و جستارهای متن شناسی

سید علی آل داود

ناشر: میراث مکتوب

مدیر تولید: محمد باهر

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

طرح روی جلد: محمود خانی

حروف نگار: معصومه گودرزی؛ صفحه‌آرا: گنجینه

چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها: ۱۵۹۰۰ تومان

شابک: ۱ - ۰۰۶ - ۲۰۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

چاپ: نقره آبی - صحافی: سیاره

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش.پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم

دریایی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران درخشان ملی خلی موج می زند. این نسخه با تحقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ هویت نامتناهی ایرانیان است. برعمده هر نسلی است که این میراث پراج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

با همه کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیین آنها انجام گرفته و صد کتاب در سال از رزمندگان آفریده شده هنوز کار ناکرده بسیار است. هزاران کتاب و رساله ملی موجود در کتابخانه ملی و غل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها بطبع رسیده منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تبیین صحیح مجدداً نیاز دارد. احیاء و نشر کتاب و رساله های ملی وظیفه ای است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد غناده شد تا با حمایت از کوشش های محققان و صحاح، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ سعی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای از رزمندگان از متون و منابع تحقیق را به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

افزون بر وظایف یاد شده، مرکز پژوهشی میراث مکتوب برعمده خودی و اندک به منظور شناساندن و معرفی نام آوران عصره تحقیق و پژوهش در متون کهن، کوشش های لازم را مبذول دارد. از این رو شاخه ای از انتشارات خود را تحت عنوان «ارج نامه» بزرگداشت دانشمندان برجسته حوزه تصحیح متون و کتاب شناسی فهرست نویسی اختصاص داده و در هر کتاب به معرفی و نقد آثار هر یک از این بزرگان می پردازد.

اکبر ایرانی

مدیر عامل مرکز پژوهشی میراث مکتوب



فهرست مندرجات

پیشگفتار.....	یازده
بخش اول - زندگی و آثار دکتر صفا.....	۱
۱. سال شمار زندگی دکتر ذبیح الله صفا.....	۳
۲. زندگی نامه دکتر ذبیح الله صفا.....	۷
فعالیت های آموزشی و دانشگاهی.....	۸
تدریس در دانشگاه های خارج.....	۱۰
خدمات فرهنگی، اداری و اجتماعی.....	۱۰
خدمات مطبوعاتی.....	۱۲
فعالیت های علمی و پژوهشی.....	۱۳
در عرصه شعر و شاعری.....	۱۵
دکتر صفا در دو دهه اخیر زندگی.....	۱۶
عقاید سیاسی و علائق ملی.....	۱۸
نمونه آثار منظوم و منشور دکتر صفا.....	۲۰
مردان بی مرگ.....	۲۰
گور فراموش شده.....	۲۳
۳. کتاب شناسی آثار دکتر صفا.....	۲۷
الف: تألیفات.....	۲۷
ب: تصحیحات.....	۳۰

ج: گزیده‌ها و مجموعه‌ها	۳۱
ترجمه‌ها	۳۲
۴. فهرست مقالات به ترتیب تاریخ انتشار	۳۳
۵. فهرست مقالات در بررسی و نقد آثار دکتر صفا	۴۵
مقالات دکتر صفا در ایرانیکا	۴۷
مقالات به زبان‌های اروپایی	۴۹
۶. جشن‌نامه صفا	۵۱
۷. صفای مطبوعات / سید فرید قاسمی	۵۵
بخش دوم - خاطرات و یادها	۷۵
۱. یاد از استاد دکتر ذبیح‌الله صفا / دکتر محمدحسن گنجی	۷۷
۲. چند خاطره از آن دانشی‌مرد فروتن / دکتر ناصرالدین پروین	۸۱
۳. یاد از صفا / ایرج افشار	۸۷
۴. درباره دکتر ذبیح‌الله صفا / دکتر علی‌اشرف صادقی	۱۰۷
۵. نیک یاد از استاد ذبیح‌الله صفا / دکتر نصرالله امامی	۱۱۱
بخش سوم - اسناد و تصاویر	۱۲۱
بخش چهارم - شیوه تصحیح و ویرایش متون	۱۳۹
برگزیده مقدمه چاپ دوم دیوان سیف فرغانی	۱۴۳
۲. بخشی از مقدمه دیوان عبدالواسع جبللی	۱۴۹
۳. بخشی از مقدمه اسرارالتوحید	۱۵۳
۴. بخشی از مقدمه داراب‌نامه طرسوسی	۱۵۹
۵. گزیده آثار تصحیحی دکتر صفا / از بختیارنامه	۱۶۳
۶. حکایتی از اسرارالتوحید	۱۶۷
۷. برگرفته از داراب‌نامه بیغمی	۱۷۱
بخش پنجم - بررسی و نقد آثار	۱۷۵
۱. نگاه نسخه‌شناسی بر ورقه و گلشاه عیوقی / ایرج افشار	۱۷۷
۲. درباره ورقه و گلشاه عیوقی / دکتر علی‌اشرف صادقی	۱۹۷

۳. ورقه و گلشاه عیوقی / محمدعلی جزایری با ترجمهٔ عسکر بهرامی ۲۲۵
۴. تاریخ ادبیات استاد ذبیح‌الله صفا / دکتر حسن انوری ۲۲۹
۵. تاریخ ادبیات‌نگاری و نگاهی به تاریخ ادبیات صفا / دکتر صادق سجادی ۲۴۱
۶. استاد صفا و کتاب حماسه‌سرائی او / دکتر محمود امیدسالار ۲۶۵
۷. بختیارنامه / دکتر مجدالدین کیوانی ۲۹۳
۸. داراب‌نامه بیغمی / دکتر علی بلوکباشی ۳۱۶
۹. داراب‌نامه طرسوسی / دکتر محمود امیدسالار ۳۳۵
۱۰. سیف فرغانی و دیوان او / دکتر مجدالدین کیوانی ۳۵۹
۱۱. نگاهی به تصحیح دیوان عبدالواسع جبلی / دکتر نصرالله امامی ۳۸۳
۱۲. صفا در نشأهٔ جام / دکتر مجدالدین کیوانی ۳۹۷
۱۳. تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی / محمدحسین ساکت ۴۱۳
۱۴. بحثی در باب مجموعه شاهکارهای ادبیات فارسی / دکتر محمد غلامرضایی ۴۲۳
۱۵. گنج سخن / محمد پروین گنابادی ۴۳۵
۱۶. تاریخ تحول نظم و نثر پارسی / سیدعلی آل‌داود ۴۴۱
۱۷. آموزش و دانش در ایران / محمدحسین ساکت ۴۴۵
۱۸. تاریخ علوم و ادبیات ایرانی / سیدعلی آل‌داود ۴۴۹

بخش ششم - مقالات اهدایی ۴۵۳

۱. کوش‌نامه؛ پژوهشی در سرزمین و قوم کوشان / دکتر عنایت‌الله رضا ۴۵۵
۲. داستان سلم و تور و ایرج / حبیب برجیان و مریم برجیان ۴۶۳
۳. سام‌نامه؛ گوینده، زمان و حوزهٔ پدید آمدن آن / دکتر محمود عابدی ۴۸۵

پیوست‌ها ۵۰۵

۱. تاریخ زبان‌های ایرانی ۵۰۹
۲. تاریخ جشن‌های ایران ۵۳۵

نمایه‌ها ۵۷۷

۱. اشخاص و اقوام ۵۷۹
۲. مکان‌ها ۶۰۴
۳. کتاب‌ها و نشریات ۶۱۲



پیشگفتار

نخستین کتاب که در سلسله ارج‌نامه‌های مرکز میراث مکتوب آماده شد و به طبع رسید، ارج‌نامه حبیب یغمائی بود که به اهتمام نگارنده تدارک یافت و البته بنا به دلایلی که در مقدمه آن کتاب گفته شد، نویسنده اطلاعات و مدارک زیادی از مرحوم یغمائی در اختیار داشت که به مناسبت، گزیده آنها را در ارج‌نامه فوق درج کرد، اما ارج‌نامه شادروان دکتر ذبیح‌الله صفا - که دومین پژوهش نگارنده در این سلسله است - صرفاً بر مبنای کنکاش در آثار و منابع چاپی و احیاناً خطی بازمانده از ایشان و نیز اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران تهیه و تکمیل شده است.

این ارج‌نامه شامل ۶ بخش و دو پیوست است: بخش اول حاوی گزارش زندگی و وصف آثار متعدد دکتر صفاست، در تدوین قسمت مربوط به مقالات دکتر صفا مأخذ اصلی ما، دوره ۶ جلدی فهرست مقالات فارسی استاد ایرج افشار بوده است. به این معنی که مشخصات و نشانی اکثر مقالات وی از کتاب فهرست مقالات استخراج گردیده، لیکن با بررسی مجدد نشریات فارسی زبان، چند مقاله و نوشته وی - که در آن کتاب از قلم افتاده بود - اضافه شد، ضمناً دست‌نویس جلد ۷ فهرست مقالات - که اکنون به چاپ رسیده - قبل از چاپ جستجو و اطلاعات لازم از آن نیز استخراج گردید.

بخش دوم یادها و خاطرات مشتمل بر ۵ نوشته که همگی به قلم همکاران و دوستان و شاگردان دکتر صفاست و از مجموع آنها می‌توان با خصوصیات و شخصیت وی آشنا شد. بخش سوم اسناد و تصاویر است. هر چند نگارنده به سبب عدم حضور خانواده آن مرحوم در ایران نتوانست با آنها تماس پیدا کرده و به اسناد و تصاویر تازه دسترسی پیدا

کند، لیکن پاره‌ای تصاویر جدید است. بخش چهارم شیوه تصحیح و ویرایش متون و بخش پنجم - که مفصل‌ترین و مهمترین بخش کتاب است - مشتمل بر مقالات متعدد در نقد و بررسی آثار دکتر صفاست. نگارنده در همین جا از استادان برجسته‌ای که این مقالات را نوشته و نامشان زینت بخش صدر مقالات است سپاسگزاری ویژه می‌نماید. آخرین بخش، حاوی دو مقاله اهدایی است، کتاب دو پیوست هم دارد، پیوست اول تاریخ زبان‌های ایرانی و پیوست دوم تاریخ جشن‌های ایران، این دو پیوست متضمن سخنرانی‌های دکتر صفا در رادیو ایران در سال‌های نخست تأسیس آن است که به زبان ساده و روشن ادا شده و چاپ آن برای دسته‌ای از خوانندگان غیرمتخصص مفید و قابل استفاده خواهد بود.

در این جا باید از مرکز پژوهشی میراث مکتوب سپاسگزاری کرد که با برنامه‌ریزی مفید و ارزنده، پروژه ارج‌نامه‌ها را برای شناسایی نامداران ادب و پژوهش معاصر ایران در دستور کار قرار داده و تا این زمان پنج مجلد آن را به چاپ رسانده است. تاکنون و از صد سال پیش به این طرف جشن‌نامه‌ها و یادنامه‌های مفصلی برای دانشمندان و مصححان ایران به طبع رسیده ولی مندرجات اغلب آنها فقط مقالاتی در موضوعات گوناگون است و کمتر متضمن مقاله و نقدی پیرامون آثار فرد تجلیل‌شونده است؛ هر چند این پژوهش‌ها کما بیش مفید است اما کمکی به شناسایی شخصیت موضوع اثر نخواهد کرد.

تهران - ۱۳۸۹/۷/۱۰

سیدعلی آل‌داود

بخش اوّل

زندگی و آثار دکتر صفا



سال شمار زندگی دکتر ذبیح‌الله صفا

- ۱۲۹۰ ش: [۱۶ اردیبهشت]: تولد در شهمیرزاد، شهرکی واقع در شمال سمنان.
- ۱۳۰۵: سفر به تهران، شروع تحصیلات دبیرستانی.
- ۱۳۰۹: چاپ نخستین شعر در روزنامه اقدام به مدیریت عباس خلیلی.
- ۱۳۱۲: پایان تحصیلات متوسطه در دبیرستان دارالفنون و احراز رتبه اول.
- ۱۳۱۲: معاون سردبیر مجله مهر به مدیریت مجید موقر.
- ۱۳۱۴: ترجمه و چاپ مرگ سقراط از آثار لامارتین.
- ۱۳۱۵: اخذ درجه لیسانس در رشته‌های فلسفه و ادبیات از دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- ۱۳۱۶: سردبیر مجله ادبی مهر [تا سال ۱۳۲۰].
- ۱۳۱۶: دبیر ادبیات فارسی در دبیرستان‌های تهران [تا سال ۱۳۲۱] و ادامه تدریس در مدارس ملی و غیردولتی.
- ۱۳۲۰: ریاست اداره دانشسراهای مقدماتی وزارت فرهنگ [تا سال ۱۳۲۵].
- ۱۳۲۱: کسب درجه دکتری ادبیات از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. [با راهنمایی استاد بدیع الزمان فروزانفر].
- ۱۳۲۱: دانشیار تاریخ ادبیات در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران [تا سال ۱۳۲۷].
- ۱۳۲۲: انتشار نخستین شماره مجله سخن به مدیر مسؤولی ذبیح‌الله صفا و سردبیری دکتر پرویز خانلری.

- ۱۳۲۲: ریاست اداره تعلیمات عالیّه وزارت فرهنگ [تا سال ۱۳۲۵].
- ۱۳۲۳: [۲۹ مرداد]، شروع انتشار هفته‌نامه سیاسی شباهنگ [تا سال ۱۳۲۵].
- ۱۳۲۴: چاپ نخست حماسه‌سرائی در ایران.
- ۱۳۲۵: عضویت هیأت مدیره و هیأت مرکزی سازمان شیر و خورشید سرخ ایران و ریاست بخش تبلیغات این سازمان [تا سال ۱۳۳۶].
- ۱۳۲۵: توقیف هفته‌نامه شباهنگ.
- ۱۳۲۵: دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو [تا سال ۱۳۴۴].
- ۱۳۲۶: شرکت در سمینار یونسکو در بیروت.
- ۱۳۲۷: استاد کرسی تاریخ ادبیات در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران [تا ۱۳۴۸].
- ۱۳۲۷: مدیریت مجله شیر و خورشید سرخ ایران [از خرداد ۱۳۲۷ تا آبان ۱۳۳۱].
- ۱۳۲۸: شرکت در سمینار یونسکو - پاریس.
- ۱۳۲۹: شرکت در کنفرانس یونسکو در فلورانس.
- ۱۳۳۰: شرکت در کنفرانس یونسکو در پاریس.
- ۱۳۳۲: مدیریت و سردبیری مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از بدو انتشار [مهر ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۷].
- ۱۳۳۲: انتشار نخستین جلد تاریخ ادبیات در ایران.
- ۱۳۳۳: شرکت در سمینار یونسکو در مونته ویده او.
- ۱۳۳۵: ریاست اداره کل انتشارات و روابط دانشگاهی دانشگاه تهران، تکمیل چاپخانه دانشگاه [تا سال ۱۳۴۱].
- ۱۳۳۵: شرکت در سمینار یونسکو، دهلی‌نو.
- ۱۳۴۰: عضویت در شورای دانشگاه تهران در دو دوره متوالی [تا سال ۱۳۴۷].
- ۱۳۴۱: استاد مهمان در دانشگاه هامبورگ [تا سال ۱۳۴۲].
- ۱۳۴۲: مدیر گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران [تا سال ۱۳۴۶].
- ۱۳۴۲: ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران [تا پایان سال ۱۳۴۷].
- ۱۳۴۲: عضویت در هیأت امنای بنیاد فرهنگ ایران [تا سال ۱۳۵۷].
- ۱۳۴۴: نایب رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران [تا سال ۱۳۵۷].
- ۱۳۴۶: عضویت در شورای عالی فرهنگ و هنر [تا سال ۱۳۵۷].

- ۱۳۴۷: استاد مهمان در دانشگاه هامبورگ [تا سال ۱۳۴۸].
- ۱۳۴۸: بازنشستگی، در فروردین این سال.
- ۱۳۴۸: احراز درجه استاد ممتازی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- ۱۳۴۸: تدریس ادبیات حماسی و غنائی و دراماتیک در دوره دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران.
- ۱۳۴۸: عضویت در هیأت امنای مدرسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی.
- ۱۳۵۰: دبیر کل شورای عالی فرهنگ و هنر [تا سال ۱۳۵۷].
- ۱۳۵۳: برگزاری کنگره «دقیقی» در دانشگاه مشهد.
- ۱۳۵۳: عضویت در شورای عالی سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران.
- ۱۳۵۴: برگزاری کنگره بزرگداشت «فارابی» در تهران و طبع جزوه حکیم فاراب.
- ۱۳۵۴: عضویت در هیأت امنای دانشگاه هنر.
- ۱۳۵۴: انتشار نگاهی به تاریخ ایران چاپ اول.
- ۱۳۵۵: دلیران جانباز چاپ اول، تهران.
- ۱۳۵۵: انتشار نشاء جام مجموعه اشعار دکتر صفا.
- ۱۳۵۶: سفر به آلمان و اقامت در شهر لوبک در کنار همسر و فرزندان.
- ۱۳۶۰: [تا سال‌ها بعد]، اشتغال دائم به تکمیل منابع و نگارش مجلدات اخیر تاریخ ادبیات.
- ۱۳۶۹: برگزاری کنگره فردوسی در تهران و قرائت خطابه صفا توسط دکتر ترابی.
- ۱۳۶۹: شرکت در کنگره بزرگداشت فردوسی در دانشگاه کلن آلمان و ایراد سخنرانی.
- ۱۳۷۰: انتشار شماره ویژه مجله ایران‌شناسی در بزرگداشت «صفا» [شماره بهار سال سوم].
- ۱۳۷۰: [شهریور ماه]، شرکت در کنگره «نظامی گنجوی»، لندن.
- ۱۳۷۴: سفر به ایران پس از ۱۸ سال دوری از وطن و شرکت در کنگره بزرگداشت «فردوسی» در مشهد و ایراد سخنرانی.
- ۱۳۷۸: [جمعه ۹ اردیبهشت ماه]، درگذشت در لوبک آلمان و خاکسپاری در گورستان این شهر.





زندگی‌نامه دکتر ذبیح‌الله صفا

دکتر ذبیح‌الله صفا ۱۶ اردیبهشت ۱۲۹۰ ش در شهمیرزاد از توابع سمنان واقع در ۲۴ کیلومتری شمالی این شهر دیده به جهان گشود. شهمیرزاد آن روزها روستایی بود، اما امروزه شهری کوچک، آباد و پردرخت با مردمی با فرهنگ است. پدرش سید علی اصغر و مادرش زبیده خاتون نام داشتند. خانواده صفا از دوران کودکی وی به سبب اشتغال پدر به تجارت رهسپار بابل شده و در آن شهر اقامت گزیدند. بدین سبب دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی ذبیح‌الله صفا در بابل گذشت. پس از اتمام دوره ابتدایی به تهران سفر کرد و دوره تحصیلات متوسطه و دبیرستان را در مدارس سیروس و دارالفنون گذراند و در سال ۱۳۱۲ ش در شعبه ادبی مدرسه دارالفنون دیپلم ادبی گرفت و به قراری که در سالنامه پارس همان سال گزارش و تصویری از وی را به چاپ رسانده‌اند شاگرد اول شد.

سپس برای ادامه تحصیل در دانشسرای عالی ثبت‌نام کرد و در سال ۱۳۱۵ ش در رشته‌های فلسفه و ادبیات فارسی موفق به گرفتن رتبه لیسانس در هر دو رشته گردید. اندکی بعد به خدمت نظام وظیفه اعزام شد و دوره مذکور را به عنوان مأمور به تدریس درس زبان و ادبیات فارسی در دبیرستان شرف تهران به سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ ش گذراند. همزمان خود را برای گذراندن دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی - که تازه تأسیس شده بود - آماده کرد. سرانجام پس از چند سال تحقیق و تتبع و تدوین رساله‌ای

ارزشمند تحت عنوان حماسه‌سرایی در ایران در سال ۱۳۲۱ از تر خود دفاع کرد و در همین سال موفق به گرفتن درجهٔ دکتری ادبیات فارسی گردید. او پس از دکتر معین دومین نفری بود که از دانشگاه تهران موفق به اخذ دکتری گردید.

استاد راهنمایش، بدیع الزمان فروزانفر بود که از همان زمان به عنوان برجسته‌ترین و شاخص‌ترین استاد ادب فارسی شناخته می‌شد. فروزانفر که به استعداد و دانش پهناور صفا پی برده بود، دست او را گرفت و راهنمایی رسالهٔ دکتری وی را قبول کرد. رساله او در شمار نخستین پژوهش‌هایی است که در این زمینه تألیف شده و با چاپ‌های متعدد به شهرت فراوان رسیده است. استاد سپس او را به جانشینی خود برای دانشیاری کرسی تاریخ ادبیات ایران برگزید.

به این ترتیب دکتر صفا در شمار نخستین دانش‌آموختگان دانشگاه تهران به شمار می‌آید. وی همانند هم‌طرازان خود پرویز ناتل خانلری و دکتر محمد معین در رشته‌های گوناگون به تحقیق و مطالعه پرداخت و با تلاش و توان فوق‌العاده‌ای که از خود نشان داد به تدریس در دانشگاه و تألیف و تصنیف کتاب روی آورد؛ اما تنوع رشته‌ها و گرایش‌هایی که وی به آن پرداخته از دو تن دیگر بیشتر است.

فعالیت‌های آموزشی و دانشگاهی

دکتر صفا از آغاز جوانی و حتی هنگام تحصیل در دانشگاه‌ها به تدریس در چند دبیرستان تهران پرداخت. علوم ادبی به ویژه تاریخ ادبیات را برای دانش‌آموزان درس می‌گفت. در سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ در دبیرستان فیروز بهرام درس‌های علوم ادبی و تاریخ ادبیات را تدریس می‌کرد. از شاگردان برجسته او، استاد ایرج افشار است که چند بار از شاگردی خود در محضر صفا در دبیرستان فوق سخن گفته است. سپس در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ در دبیرستان البرز درس می‌داد، دکتر محمد علی اسلامی ندوشن در شمار شاگردان او در این مدرسه بود و از صفا کسب فیض می‌کرد. او در خاطرات خود از این سال‌ها یاد کرده است.

صفا پس از گرفتن دکتری ادبیات به مقام دانشیاری دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۱ ارتقا پیدا کرد و با جدیت و کوشش بسیار به تدریس پرداخت. پس از چند سال تدریس با عنوان دانشیاری در سال ۱۳۲۷ به مقام استادی دانشگاه تهران رسید و تا

وقت بازنشستگی به سال ۱۳۴۸ همچنان یکی از دو کرسی تاریخ ادبیات دانشگاه تهران را در اختیار داشت. در سال ۱۳۴۰ هم به مرتبه ۱۰ استادی دست یافت. صفا در سال ۱۳۳۵ - به وقت ریاست دکتر منوچهر اقبال بر دانشگاه تهران - به ریاست اداره کل انتشارات و روابط دانشگاهی دانشگاه تهران برگزیده شد و مدت ۶ سال این مقام را در عهده داشت. در همین زمان با کوشش زیاد موفق شد چاپخانه دانشگاه را تکمیل کرده و بر شمار انتشارات آن بیفزاید. او در راه توسعه روابط بین‌المللی دانشگاه تهران گام‌های استوار برداشت. از سال ۱۳۴۰ دو دوره متوالی عضو شورای دانشگاه تهران بود و هم در این سال‌ها عضویت انجمن تألیف و ترجمه دانشگاه را به دست آورد.

دکتر صفا در سال ۱۳۴۲ مدیر دپارتمان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد و ۴ سال در این سمت باقی ماند. در این سال دوره ریاست دکتر علی اکبر سیاسی خاتمه یافت و دکتر صفا از مهر سال ۴۲ به ریاست دانشکده ادبیات برگزیده شد. به این ترتیب مشاغل علمی و دانشگاهی او در آخرین سال خدمت وی ۱۳۴۷ ش به این شرح بوده است:

۱. ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه تهران؛
 ۲. عضو انتخابی دانشکده ادبیات و علوم انسانی در شورای دانشگاه تهران؛
 ۳. استاد کرسی تاریخ ادبیات ایران در دانشکده ادبیات؛
 ۴. نایب رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران؛
 ۵. مدیر مجله دانشکده ادبیات؛
 ۶. رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.
- در اواخر سال ۱۳۴۷ تغییراتی در مدیریت دانشگاه تهران رخ داد. پرفسور فضل‌الله رضا قصد داشت تحولات گسترده‌ای در دانشگاه به وجود آورد. اما صفا دیگر مایل به ادامه خدمت نبود. پس در اواخر این سال در حالی که رئیس دانشکده ادبیات و استاد صاحب کرسی تاریخ ادبیات بود، تقاضای بازنشستگی کرد. حکم او در فروردین ۱۳۴۸ صادر گردید. اما در همین سال به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران برگزیده شد. پس از بازنشستگی همچنان به تدریس در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی و تدریس در دوره دکتری برای دانشجویان خارجی دانشکده ادبیات ادامه داد. ضمناً عضویت شورای عالی فرهنگ و هنر و دبیرکلی آن را در عهده داشت.

تدریس در دانشگاه‌های خارج

از جمله فعالیت‌های آموزشی دکتر صفا، تدریس او در دانشگاه‌های معتبر اروپائی بود. او از سال ۱۳۴۱ تا میانه سال ۱۳۴۲ بنا به دعوت دانشگاه هامبورگ در «سمینار شرق‌شناسی» آن دانشگاه سمت استادی تاریخ فرهنگ و ادبیات ایران را بر عهده داشت. بار دیگر در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ با همین عنوان به دانشگاه مزبور دعوت شد و جز آن در فاصله این دو نوبت چند بار دیگر به مدت‌های کوتاه و در تابستان‌ها در این دانشگاه تدریس می‌کرد.

غیر از تدریس، بارها بنا به دعوت دانشگاه‌ها و مجامع علمی و مؤسسات فرهنگی برای شرکت در سمینارهای علمی یا دیدارهای فرهنگی به کشورهای هند، پاکستان، ایتالیا، فرانسه، انگلستان، بلژیک، آلمان، رومانی، سوئیس، آمریکا، لبنان، سوریه، ترکیه و تونس رفت و شرکت و سخنرانی داشت.

خدمات فرهنگی، اداری و اجتماعی

ذبیح‌الله صفا از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ ش در ابتدا معاون و سپس کفیل اداره دانشسراهای مقدماتی بود و بعد رئیس تعلیمات عالیه و تعلیمات متوسطه وزارت فرهنگ شد. از سال ۱۳۲۶ به بعد ریاست بخش تبلیغات سازمان شیروخورشید سرخ ایران و سردبیری مجله این سازمان را هم قبول کرد. در سال ۱۳۲۵ به خدمت کمیسیون ملی یونسکو در ایران درآمد و دبیرکل آنجا شد. درین وقت علی اصغر حکمت ریاست این سازمان را داشت. صفا این سمت را تا سالیان دراز یعنی تا ۱۳۴۲ در دست داشت. در آن سال از دبیرکلی استعفا داد و نایب رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران شد و این سمت را تا سال ۱۳۵۷ یعنی تا وقوع انقلاب حفظ کرد.

اشتغال دکتر صفا در کمیسیون ملی یونسکو موجب شد که ایران در سازمان جهانی یونسکو اعتبار زیاد به دست آورد. اقدامات وی موجب شد تا بزرگداشتی در سراسر جهان برای چند تن از بزرگان ایران زمین چون فردوسی، سعدی و حافظ گرفته شود. صفا در دوره دبیرکلی یونسکو به جز اینها که ذکر شد فعالیت‌های مستمری در خصوص گسترش و شناسایی فرهنگ ایران زمین انجام داد. بارها با شوق و ذوق مأموریت‌هایی را که درین مقوله‌ها پذیرفته بود انجام می‌داد، به کشورهای مختلف سفر می‌کرد و در

کنگره‌ها و سمینارهای بین‌المللی یونسکو شرکت می‌کرد. از جمله یکبار در کنفرانس امور اجتماعی خاورمیانه مربوط به یونسکو در دمشق و بار دیگر در کنفرانس عمومی تفاهم شرق و غرب در کلکته و کنفرانس امور جوانان در بخارست که همه از سوی یونسکو تشکیل گردید بنابر دعوت سازمان مذکور شرکت کرد.

او چند بار عضو هیأت نمایندگی یونسکو در ایران در کنفرانس‌های عمومی یونسکو جهانی بود. از جمله در کنفرانس‌های عمومی سوم [۱۹۴۸م]، چهارم [۱۹۴۹]، پنجم [۱۹۵۰] و هشتم [۱۹۵۴]، نهم [۱۹۵۶] و دهم [۱۹۵۸] نماینده ایران بود که به ترتیب در شهرهای بیروت، پاریس، فلورانس، مونته ویده او، و دهلی نو برگزار گردید. یکبار هم به دعوت دولت بلژیک در کنفرانس عمومی تفاهم شرق و غرب که در سال ۱۹۵۸ در بروکسل تشکیل گردیده بود، شرکت نمود و در دو جلسه ریاست کنفرانس را عهده‌دار گردید. از آن پس در چند سمینار دیگر یونسکو به عنوان نماینده ایران حضور داشت. در این جا فهرستوار به برخی از مشاغل فرهنگی، اجتماعی و علمی او اشاره می‌شود:

۱. ریاست انجمن ملی روابط فرهنگی ایران [وابسته به وزارت فرهنگ و هنر]؛

۲. عضو هیأت امنای مدرسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی؛

۳. عضویت هیأت امنای کتابخانه پهلوی؛

۴. عضویت شورای عالی فرهنگ و هنر و احراز مقام دبیر کلی آن؛

۵. عضویت پیوسته فرهنگستان ادب و هنر ایران به ریاست دکتر پرویز ناتل

خانلری؛

۶. عضویت هیأت مؤسس و هیأت امنای بنیاد فرهنگ ایران. دکتر خانلری درباره همکاری او در تشکیل بنیاد فرهنگ گفته است: «وقتی که فکر تأسیس بنیاد فرهنگ را مطرح کردم در ابتدا بنا بود مؤسسه‌ای خصوصی شود. اما چون شاه از آن اطلاع پیدا کرد به مؤسسه‌ای وابسته به دولت تغییر پیدا کرد و اعضای هیأت مؤسس آن ۵ نفر زیر به پیشنهاد من تعیین شدند: ۱. دکتر محمد باهری، ۲. دکتر ذبیح‌الله صفا، ۳. دکتر محمود صناعی، ۴. دکتر یحیی مهدوی، ۵. دکتر پرویز ناتل خانلری.»

دکتر صفا در طول سال‌های خدمت در عرصه‌های علمی و اجتماعی موفق به دریافت چند نشان علمی و فرهنگی شد. از جمله به دو مورد زیر اشاره می‌کنیم:

۱. نشان درجه اول علمی وزارت فرهنگ ایران در سال ۱۳۱۵ ش.

۲. نشان Palmes Académiques از نوع Commandeur که از سوی دولت فرانسه در سال ۱۳۴۹ ش / فوریه ۱۹۷۰ م به او اهدا گردید.

خدمات مطبوعاتی

سراغاز همکاری دکتر صفا را با مطبوعات باید از سال ۱۳۰۹ و همکاری او با روزنامه اقدام به مدیریت عباس خلیلی دانست. در این سال قطعاتی از سروده‌های وی در این روزنامه به چاپ رسید. سپس در سال ۱۳۱۲ به جمع همکاران مجله مهر پیوست که آنرا مجید موقر انتشار می‌داد و گروهی از نخبگان کشور را به همکاری وا داشته بود. در آن وقت سردبیر مجله، نصرالله فلسفی بود و صفا، وی را در کار نشر مجله یاری می‌رساند و در حقیقت معاون سردبیر بود. در سال ۱۳۱۶ سردبیری مجله مهر رسماً به او واگذار شد و ۲ سال تمام با کمال جدیت مجله را اداره کرد، چنانکه دو دوره مذکور را باید از ادوار مهم مجله مهر به شمار آورد. در این وقت چون مجید موقر صاحب امتیاز مجله مهر، مدیریت روزنامه ایران و سپس مهر ایران را نیز برعهده گرفت و دکتر صفا در کار نشر این دو نشریه نیز با او همکاری داشت.

دکتر صفا در سال ۱۳۲۰ امتیاز مجله سخن را گرفت و از خرداد ۱۳۲۲ مدت یکسال با همکاری خانلری سخن را انتشار داد، او مدیر و صاحب امتیاز و خانلری سردبیر مجله بود، اما از سال دوم امتیاز را به دکتر خانلری واگذار کرد و خود به سال ۱۳۲۳ امتیاز هفته‌نامه شباهنگ را گرفت و با مشی خبری سیاسی ۲ سال آن را انتشار داد. شباهنگ نشریه‌ای متنوع بود و مطالب گوناگون در آن به طبع می‌رسید هر چند گرایش اصلی آن توجه به سیاست بود و از اصلاحات اجتماعی حمایت می‌کرد. شباهنگ به حزب و گروهی وابسته نشد. اما سرانجام در فروردین ۱۳۲۵ و پس از آنکه آخرین شماره آن انتشار یافت به دستور دولت قوام‌السلطنه توقیف شد و پس از آن هرگز انتشار پیدا نکرد.

پس از تعطیلی شباهنگ، دکتر صفا همکاری خود را با نشریات دیگر ادامه داد. از سال ۱۳۲۶ تا ۵ سال بعد مقالات و نوشته‌های او مرتباً در مجله ارتش به چاپ می‌رسید. خود او هم در سال ۱۳۲۷ مدیریت مجله شیروخورشید سرخ ایران را قبول کرد. این نشریه به مسئولیت وی تا آبان ۱۳۳۱ انتشار یافت. از مقالات تحقیقی خودش نیز گاه

در آن درج می‌شد.

آخرین فعالیت مطبوعاتی مستقل دکتر صفا را باید مدیریت و سردبیری مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دانست. این مجله را خود او در سال ۱۳۳۲ تأسیس کرد و اولین شماره آن در مهر این سال منتشر شد. وی تصدی این مجله را تا پایان دوره ریاست خود بر دانشکده ادبیات و بازنشستگی [پایان سال ۱۳۴۷] عهده‌دار بود. از آن پس فعالیت مستقل مطبوعاتی را رها کرد. تفصیل خدمات مطبوعاتی او در مقاله‌ای که پس از این درج می‌گردد آورده شده است.

فعالیت‌های علمی و پژوهشی

دکتر صفا از دانشمندان و محققان پرکار معاصر ایران است. او در مدت طولانی که در دانشگاه تهران به تدریس اشتغال داشت افزون بر تدریس و مدیریت‌های مختلف همچون ریاست دانشکده ادبیات، مدیریت گروه ادبیات و ریاست انتشارات دانشگاه، هرگز از پژوهش و تحقیق باز نماند. کثرت آثار پژوهشی او گواه بر صحت این ادعاست. آثار و مقالات متعدد او اعجاب‌انگیز و حاکی از تلاش شبانروزی وی در امر تحقیق است. صفا با وجود گرفتاری‌های متعدد همواره ساعاتی از شبانروز را به پژوهش و تحقیق سرگرم بود. مهم‌ترین و برترین اثر او تاریخ ادبیات در ایران است که تا آغاز سلسله قاجار رسیده است. این کتاب در ۵ جلد و ۸ مجلد بارها به چاپ رسیده است. کتاب دیگر او از حیث اهمیت و اعتبار و شهرت، حماسه‌سرایی در ایران است که رساله دکتری او بود و در سال ۱۳۲۴ برای نخستین بار به طبع رسید. این دواثر او با آنکه چند دهه از تألیف آنها می‌گذرد هنوز هم جانشینی نیافته است.

کثرت آثار تحقیقی و تألیفی دکتر صفا حاکی از آن است که وی از وقت‌گذرانی‌های بیهوده، از دید و بازدیدها و از شرکت در مجالس و محافل دوستانه‌ای که صرفاً برای دیدار برگزار می‌شده اجتناب می‌کرده و اوقاتش بیشتر مصروف پژوهش و تتبع شده است، از این رو دستاوردهای علمی وی در طول زندگی در مقایسه با اکثر هم‌طرازانش قابل توجه است و از این حیث بر بیشتر آنها برتری دارد. او از دوران جوانی و هنگام تحصیلات متوسطه کار پژوهش را آغاز کرد. نخستین مقاله او در همان دوران و در بیست سالگی یعنی در سال ۱۳۱۰ ش در روزنامه اقدام به چاپ رسید. آخرین

مقالاتش نیز در سنین افزون بر هشتاد در نشریه ایران‌شناسی در آمریکا و برخی مطبوعات اروپایی به طبع رسیده است.

دکتر صفا کتاب بسیار خواننده بود، بخش زیادی از متون کهن زبان فارسی، تذکره‌ها، و دواوین شعر را از نظر گذرانیده و با دقت مطالعه کرده بود. بدین سبب اشراف وسیعی نسبت به فرهنگ پیرامنه ایران داشت، آنرا می‌پرستید و نسبت به آن حساس و تا حدی متعصب بود. اما نه تعصبی کوردلانه بلکه از روی شعور و آگاهی. او با آنکه در ایران درس خوانده بود به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی تسلط داشت و مهمترین منابع تحقیق و پژوهش در این زبان‌ها را می‌شناخت و در پژوهش‌های خود از آنها استفاده می‌کرد.

تورق سطحی ۸ مجلد تاریخ ادبیات او نشانگر احاطه وسیع وی بر بسیاری از منابع خطی و چاپی و ناشناخته‌هاست. هر چند گروهی بر او ایراد گرفته‌اند که در جزئیات مطالب این کتاب مفصل گاه اطلاعات وارده دقیق نیست اما باید به یاد آورد که در تتبعی به این پهنای از این گونه کمبودها به ناگزیر پیدا می‌شود و اگر محقق بخواهد کار خود را برای دیدن و کاوش در کلیه منابع موجود و غیرموجود معطل سازد هرگز کاری با این عظمت انجام شدنی نخواهد بود. و در آن صورت ما هم نمی‌توانستیم شاهد خلق این تألیف مفصل و پر مطلب او باشیم.

دکتر صفا بر تاریخ ایران هم اشراف و آگاهی کامل و عمیق داشت. چند رساله کوتاه و مباحثی که در ابتدای فصول تاریخ ادبیات نوشته گویای تسلط او بر منابع تاریخی و تتبع وسیع و دامنه‌دار در آنهاست. یکی از مهمترین ایرادهایی که به تاریخ ادبیات وی گرفته‌اند این است که او از پژوهش‌های معاصران کمتر استفاده کرده و به آنها ارجاع نمی‌دهد، انتقادی که تا حدی درست است. متأسفانه این روش نامقبول هنوز هم در میان دانشمندان معاصر رایج است که از تحقیقات معاصران و از مقالات جدیدی که نوشته می‌شود در آثار خود کمتر بهره‌مند می‌شوند. به گفته کامیار عابدی: «تکیه استاد صفا در تاریخ ادبیاتش به گونه‌ای آشکار بر قلم و نگارش خود است. نقل قول‌ها به ویژه از معاصران بسیار اندک است و جز منابع و مأخذ اصلی، کمتر اثر و مقاله و پژوهشی از ادیبان و پژوهندگان معاصر مورد استناد قرار می‌گیرد. این عیب است یا حسن؟ البته

حسن نیست»^(۱)

دکتر صفا به دلیل اشتغال دائم برای تألیف تاریخ ادبیات مجبور بود که اهم منابع کهن اعم از منثور یا منظوم را مطالعه و بررسی کند. او با آنکه اشتغالات اداری و دانشگاهی متعدد داشت هرگز از پژوهش در ادب فارسی باز نمی‌ماند. همواره فرصت داشت تا متون زیادی را تصحیح کرده، به تألیف آثار تحقیقی پردازد و چند اثر برجسته از پژوهش‌های ایران‌شناسان اروپایی را به فارسی برگرداند.

نثر صفا و شیوه نگارش او روان، ساده، بی‌تعقید و با اسلوبی کاملاً جا افتاده است. فراز و فرودی ندارد. وی در نگارش نثری این چنین که هم ساده و هم رساست و هم مقصود را به خوبی می‌رساند، استادی و تبّحر خود را نشان داده، نه از واژه‌های متداول عربی در فارسی روی گردان شده و نه دچار سره‌نویسی‌هایی است که برخی معاصران به آن روی خوش نشان داده‌اند.

در عرصه شعر و شاعری

دکتر صفا گاه شعر می‌سرود. شعرش نسبتاً خوب و با احساس است. اولین سروده او با نام «ناله شاعر» در سال ۱۳۰۹ در روزنامه اقدام به چاپ رسید. دومین شعر او با عنوان «رخسار مادر» در ۱۳۱۰ سروده شد و در همین نشریه انتشار یافته است. اما از سال ۱۳۱۲ به بعد به تدریج اشعار و سروده‌های وی در نشریات و جرائد گوناگون تهران و برخی مطبوعات خارج از کشور به چاپ رسید. او در سال ۱۳۵۵ گزیده‌ای از اشعار خود را فراهم آورد و با نام نشأ جام در شمار انتشارات مؤسسه امیرکبیر به چاپ رساند.

صفا هر چند در زمره شاعران سنت‌گرا محسوب می‌شود و سروده‌های اندکی که از او بر جای مانده، مؤید این نظر است لیکن به قالب‌شکنی و اتخاذ راه نواز سوی شاعران معاصر اعتقاد داشت و آن را مجاز می‌دانست. در مجله سخن در دوره چهارم [آذر ۱۳۳۲] اقتراح‌ی طرح شده بود مبنی بر آنکه «شعر امروز فارسی چه راهی باید در پیش بگیرد؟» و مطابق با این مضمون ۷ سؤال مطرح کرده بودند و از شاعران معاصر و

صاحب‌نظران خواسته شده بود به این سؤالات پاسخ دهند. سؤال ششم این است: از شاعر امروز بیان چه نوع معنی و مضمونی را توقع دارید؟ پاسخ دکتر صفا به این سؤال چنین است: «بیان هر معنی و مضمونی که فطرت شاعر و تأثرات و عواطف و علائق او اقتضا کند، زیرا شاعر در این مورد فرمانبردار ما و شما نیست، مطیع عواطف خود است.»^(۱)

از سروده‌های دکتر صفا می‌توان تا حدّی به مکنونات و زوایای پنهان شخصیت او پی برد. جنبه‌هایی که در سایر آثارش دیده و مشاهده نمی‌شود. دکتر صفا شخصیتی عاطفی داشت. از اشعارش برمی‌آید که تا حدّی بدبین و محزون بوده، چنانکه در سراسر سروده‌هایش به شعری که مضمون شاد و دل‌انگیز داشته باشد بر نمی‌خوریم. او در شعر «گمنام» تخلص می‌کرد اما فقط در چند قطعه معدود نشانی از این تخلص دیده می‌شود. اشعار دکتر صفا اکثر در خارج در کشور و شاید به حسرت دوری از وطن سروده شده، او در ذیل بیشتر قطعات خود تاریخ سرودن و محل آن را ذکر می‌کند، در شهرهایی از قبیل پاریس، لوبک، هامبورگ، فرانکفورت، لندن، واشنگتن، پتتا، رم و یک شعر هم دارد که در زادگاهش شهمیرزاد سروده است.

دکتر صفا در دو دهه اخیر زندگی

ذبیح‌الله صفا در سال ۱۳۵۶ همراه همسر آلمانی و دو فرزندش عازم آن کشور شد و در شهر کوچک لوبک [در ۴۵ کیلومتری هامبورگ] زادگاه همسرش اقامت گزید. در ابتدا می‌خواست خود به ایران بازگردد، اما پس از وقوع انقلاب در لوبک ماندنی شد و در آنجا سرگرم ادامه پژوهش‌های خود گردید. از بررسی نوشته‌های او در این سال‌ها برمی‌آید که اقامت در آن شهر کوچک را به طور کلی خوش نداشته و دوری از وطن برایش سخت ناگوار و دردآور بوده و همواره آرزوی بازگشت به ایران را داشته است. این امکان البته هرگز فراهم نیامد؛ تنها یکبار به منظور شرکت در کنگره کتاب و کتابخانه در سال ۱۳۷۴ به ایران دعوت شد، چندی در تهران ماند و سپس به مشهد رفت و در آنجا که محل انعقاد کنگره فوق بود به ایراد سخنرانی پرداخت.

پیش از آن در سال ۱۳۶۹ چون کنگره‌ای به منظور بزرگداشت فردوسی در تهران تشکیل یافت از او هم دعوت کردند، اما صفا امکان سفر به وطن را نیافت و متن سخنان او را دکتر سید محمد ترابی از شاگردانش قرائت کرد.

در این سال‌ها چندی در دانشگاه واشنگتن در سال‌های ۶۸ و ۶۹ به تدریس پرداخت اما توانی برای او باقی نمانده بود که این کار را که مورد کمال علاقه وی بود دنبال نماید. از سوی سازمان یونسکو سال ۱۳۶۹ سال هزارمین سال سرایش شاهنامه و سال فردوسی نامیده شد و بدین مناسبت از سوی محافل دانشگاهی مجالس مختلف و کنگره‌هایی برپا شد. از جمله در دانشگاه کلن آلمان سمیناری در بزرگداشت فردوسی تشکیل گردید و دکتر صفا سخنرانی مبسوطی ایراد کرد. به جز اینها حادثه فرهنگی دیگری در زندگی دو دهه اخیر صفا رخ نداد. زندگانی در شهری کوچک چون لوبک که حتی یک ایرانی در آنجا نمی‌زیست و حتی کسی از ایران‌شناسان اروپایی هم در آن به سر نمی‌برد برای وی سخت و دشوار بود، گو آنکه چاره دیگری هم نداشت.

در سال ۱۳۷۰ به مناسبت هشتادمین سالگرد تولد وی، مجلس بزرگداشتی در دانشگاه آمریکن واشنگتن برپا گردید. در این مراسم گروهی از ایرانیان شرکت کردند، دکتر جلال متینی مدیر مجله ایران‌شناسی و استاد پیشین دانشگاه فردوسی مشهد سخنران نخست بود. او خدمات صفا را به فرهنگ ایران برشمرد و از او ستایش‌ها کرد. یک شماره از مجله ایران‌شناسی هم به بزرگداشت صفا اختصاص یافت. (شماره اول سال سوم - بهار ۱۳۷۰)، پس از متینی گروهی از استادان و محققان برجسته ایرانی و خارجی سخنرانی کرده و شماره ویژه مجله را به او تقدیم داشتند. در این شماره مقالات و آثار کسانی چون دکتر احسان یارشاطر، دکتر احمد مهدوی دامغانی، دکتر محمد جعفر محجوب، دکتر جلال خالقی مطلق، دکتر حشمت مؤید و چند تن دیگر به چاپ رسیده است. زندگی‌نامه و سال شمار زندگی او را هم دکتر متینی نگاشته و به جای سرمقاله در ابتدای این شماره آورده است. آخر از همه صفا به سخنرانی پرداخت و از برگزارکنندگان مجلس و نویسندگان مقالات سپاسگزاری کرد.

سرانجام دکتر ذبیح‌الله صفا استاد برجسته و کم‌نظیر تاریخ ادبیات ایران غروب روز جمعه ۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۸ ش در ۸۸ سالگی در لوبک آلمان با خاطری افسرده و ناشاد دارفانی را وداع گفت، پیکرش در گورستان همین شهر به خاک رفت. بخشی از

سخنان او را که سه چهار ماه قبل از وفاتش با یک شبکه رادیویی بیان کرده و گویای این حالات و نیز عشق زایدالوصف او به سرزمین ایران است در زیر می‌آوریم:

«... حال من بد است، حال من خیلی بد است. خیلی خوب، دیگر تحمل می‌کنم. بنده با کمال خضوع و فروتنی نسبت به تمام هموطنان اظهار ارادت می‌کنم و متأسفم که اظهار ارادت من دیر انجام شده است. ولی همیشه یاد وطن و یاد مملکت و یاد سرزمین در ذهن من هست و خواهد بود، تا آن روزی که خداوند مقدر فرموده است و البته در این مدت بنده تنها اکتفا نکردم به اینکه به یاد ملت و مملکت باشم، بلکه برای مملکت کار کردم، بدون اینکه از کسی چیزی بخواهم یا به کسی ممتی بگذارم و حالا هم سرگرم کار هستم. بنده تقریباً الآن سه ماه است که خانه‌نشین شده‌ام و نمی‌توانم بیرون بروم و در خانه هم نمی‌توانم بدون وسیله نگاهدارنده حرکت بکنم... بنده البته یک حالت تواضعی داشتم از کودکی، از روزگاران کودکی به من یاد دادند و این ماند برای من و من علاوه بر اینها نسبت به سرزمین خودم اگر تواضعی نداشته باشم اصلاً به تلخی نمی‌ارزد. مملکت من شایسته احترام است و من این احترام را همیشه نگه داشته‌ام...»^(۱)

دکتر صفا دو بار ازدواج کرد. از همسر نخست خود که ایرانی بود فرزندی نداشت. دومین همسر او خانم زیگفرید، آلمانی و از شهر لویک بود که پیش از آن از شاگردان دکتر صفا به شمار می‌رفت. از همسر اخیر دو فرزند پسر و دختر به نام‌های مهرداد و یاسمین دارد که تحصیلات عالی خود را در دانشگاه برلین به انجام رسانده و اکنون در زادگاه مادر به کار اشتغال دارند.

عقاید سیاسی و علائق ملی

دکتر صفا در سال‌های نوجوانی و جوانی به چپ گرائید، هر چند فعالیت حاد سیاسی نداشت لیکن چندی گرفتار شد. گفته بودند که شعری در هجو رضاشاه هم

سروده، اما خود او در سال‌های بعد هرگز میل نداشت که در این باره سخنی بگوید. پس از آزادی از زندان از اندیشه‌های چپ‌گرایانه دست کشید و به راه دیگری افتاد که خود او آن را بهترین مسیر برای خدمت به وطن می‌پنداشت. نشریه شباهنگ را که سیاسی بود و هر هفته انتشار می‌داد با این سبک و سیاق آماده می‌کرد. می‌گفت برای حفظ وطن از هر گونه امتیازدهی به خارجی‌ان باید پرهیز کرد. چندی با نظریه‌های سیاسی سید ضیاءالدین هماهنگی یافت و بدین مناسبت با نشریات متعلق به حزب توده پیوسته مبارزه می‌کرد و در شباهنگ مقالات و نوشته‌هایی علیه آنان به چاپ می‌رساند. چند سال پیش کسی در نشریه ره‌آورد چاپ امریکا، هفته‌نامه شباهنگ را متمایل به جریان‌های چپ معرفی کرد، در شماره بعد، محمود پورشالچی که سردبیر هفته‌نامه شباهنگ بود به پاسخ‌گویی برخاست و نظر نویسنده را نادرست خواند.

از شهریور بیست و بعد و پس از تشکیل حزب توده در ایران و با توجه به آزادی‌نسی که فراهم آمده بود مراکز تبلیغاتی حزب توده سعی داشتند افکار عمومی را برای اعطای امتیاز نفت شمال ایران به روس‌ها تسهیل کنند. صفا از جمله کسانی بود که به سختی با آنان به مبارزه پرداخت. او هر چند به جبهه ملی وابستگی نداشت اما پاره‌ای روش‌ها و سیاست‌هایش با آنان هماهنگ بود. وابستگان حزب توده در دانشگاه‌ها برنامه‌های متعدد اجرا می‌کردند؛ از سوی دیگر گروهی از استادان تصمیم گرفتند برای مقابله با آنان گردهمایی‌هایی تشکیل دهند. دکتر صفا در یکی از این مجالس خطابه شورانگیزی بیان کرد و نتیجه گرفت که اکنون وقت خاموشی و به گوشه‌ای خزیدن نیست، وطن پرستی اقتضا می‌کند که همگان به کمک هم در پی مقابله با این خطر برآیند. این خطابه بسیار مؤثر بود و تا حدی مانع گسترش فعالیت‌های افراطی‌های حزبی گردید. در روزنامه شباهنگ هم مقالاتی نوشت و شدیداً با دادن امتیاز نفت به خارجی‌ها مخالفت کرد.

اما دکتر صفا به تدریج از سیاست و فعالیت‌های مطبوعاتی و سیاسی دست کشید و تمام اوقات خود را مصروف امور پژوهش و تحقیق و تألیف کتاب‌ها می‌کرد. عشقش به ایران‌زمین و مردم آن، محرک او در تحقیقات و پژوهش‌های ایرانی وی بود. همه فعالیت‌های فکری و سیاسی و معنوی او در زندگانی طولانی‌ش زاده عشق به ایران و

تاریخ آن بود. روزگاری نیز عضو انجمن ایران‌شناسی شد. انجمنی غیر دولتی که ابراهیم پورداود آن را بنیاد گذاشته بود و دکتر محمد معین، دکتر منوچهر ستوده، دکتر مصطفی مقربی، احمد افشار شیرازی و ایرج افشار از اعضای ثابت دیگر آن بودند.

نمونه آثار منظوم و منثور دکتر صفا

اینک و در پایان بخش زندگی و احوال ذبیح‌الله صفا، دو نمونه مختصر از نوشته‌ها و سروده‌های او را می‌آوریم: ۱. برای نمایاندن نثر زیبا و استوار وی، نامه‌ای را که او در باب فردوسی نوشته و در سالنامه کشور ایران در سال ۱۳۵۱ به طبع رسیده و تاکنون کمتر مورد عنایت و توجه ادب دوستان قرار گرفته عیناً می‌آوریم.

۲. از سروده‌های او - که چندان زیاد نیست - قطعه «گور فراموش شده» برگزیده شد که منظومه‌ای تأثرانگیز است و شاعر آن را در حال و هوای خاص سروده و لاجرم بر دل می‌نشیند:

مردان بی‌مرگ

سالی که گذشت سال کوروش بود، اما همه سالها سال فردوسی است. بگذار اندکی درباره او سخن بگویم. درباره او بسیار نوشته‌ام و حتی از تو چه پنهان، دوران جوانی من بیشتر با مطالعه درباره فردوسی گذشت و اوست که مرا به مطالعه در داستانهای منظوم ملی برانگیخت و سرانجام تا بدانجا کشانیده که چندین سال از روزگار خود را وقف مطالعه در بنیاد داستانهای ملی کردم و یک کتاب مشروح و چندین مقاله و گفتار درین باره نشر داده‌ام. درباره او بسیار نوشته‌اند و هر چه بنویسند و بنویسیم کم است زیرا او پدر زبان ما و سرمایه ادب ما و اگر بتوان گفت «شیرازه ملیت» ماست. از همان روزگاران، او سرگرم نظم داستانهای ملی بود، دیه «باژ» قبله گاه ایران دوستان شده بود، بسیاری از سخن‌سنان روزگار و دوستداران ایران و فرهنگ ایرانی به دیدار او می‌رفتند و آنچه را که او از روایات ملی به نظم آورده بود می‌خواندند و اگرچه «جز احسنت از ایشان بهره» فردوسی نبود لیکن بهر حال با همین دیدارها و تشویق‌ها او را به مداومت در کار سنگینی که بر عهده گرفته بود برمی‌انگیختند.

او مردی بود به تمام معنی «مرد» یعنی «مردی» که قبای مردانگی را فقط بر قامت او

دوخته بودند و «مردی» که هنوز هم اثر و نفوذ خود را بر زبان فارسی و بر روح فارسی‌زبانان با قدرت تمام حفظ کرده است. «مردی»، که هیچگاه نخواهد مرد و هر چه بیشتر از تاریخ انتقالش از نشأء حیات ظاهری به مرحلهٔ ممات ظاهری بگذرد بیشتر بر حیات او و بر زندگانی جاویدان او افزوده خواهد شد.

اینگونه «مردان بی‌مرگ» در دنیا نادرند. کوروشها و سزارها و ناپلئونها کوشیده‌اند که با پی‌ریزی حکومت‌های بزرگ و قوانین و آئین‌ها مردانی جاویدان باشند اما جاودانگی آنان نسبی است، به نسبت زمان و مکان و دوام حکومتها یا عدم ثبات آنها و تغییر مسلک‌ها و مرام‌ها و ایده‌آولوژی‌ها و نظایر این مسائل تغییر و تبدیل می‌یابد. گاهی در طول زمانهای معینی زنده‌اند و گاهی قرن‌ها به دست فراموشی سپرده می‌شوند یعنی می‌میرند و از یادها زدوده می‌شوند. اما مردان بی‌مرگ آنهایی هستند که در همهٔ تبدلات اندیشه‌ها و رسوم و آداب و عادات در جای خود مثل کوه برقرار و ثابت باشند و در همهٔ احوال از آنان با احترام یاد شود.

کتاب‌های ادب پارسی را بخوانید، از همهٔ ادوار ادبی فارسی و مربوط بهر دور و زمانی و ملاحظه کنید خواه در شعر و خواه در نثر، از فردوسی چگونه یاد شده است. او در همه جا و در همهٔ احوال نیک و بدی که برای ملت ایران و برای همه فارسی‌زبانان و فارسی‌خوانان پیش آمده به عنوان سلطان سریر سخن فارسی و استاد مطلق و سخنگوی توانای بی‌بدیل خوانده شده و هیچکس، حتی سخنگوترین سخنگویان ایرانی به خود اجازهٔ تجاوز به حریم استادی او نداده است.

او همواره به عنوان یک انسان واقعی، یک پدر راهنما و دلسوز، یک مرد «پاک‌زاد» و «پاکدل» شناخته شده است و همیشه با همین عنوانهای افتخارآمیز در ذهن فرزندان ایران باقی خواهد ماند. حتی معزی که از بیم سبک مغزان غز و ترکمانان سلجوقی، خواست به این بزرگترین مرد تاریخ ما بتازد، تنها به مبالغاتی که دربارهٔ رستم، پهلوان بزرگ ملی ما در شاهنامهٔ او شده است، ایراد گرفت؛ اما او سخن از زبان دشمنان ایران می‌گفت، و این همان سخنی بود که محمود ترک‌زاد غزنوی دربارهٔ رستم به فردوسی گفت. در تاریخ سیستان که کتابی کهن از حدود قرن چهارم هجری است چنین می‌بینیم «... و حدیث رستم بر آن جمله است که ابوالقاسم فردوسی شاهنامه به شعر کرد و بر نام سلطان محمود کرد، و چندین روز همی برخواند، محمود گفت: همهٔ شاهنامه خود هیچ

نیست مگر حدیث رستم، و اندر سپاه من هزار مرد چون رستم هست. بوالقاسم گفت: زندگانی خداوند دراز باد، ندانم اندر سپاه او چند مرد چون رستم باشد اما این دانم که خدای تعالی خویشتن را هیچ بنده چون رستم دیگر نیافرید. این بگفت و زمین بوسه کرد و برفت...».

همین سخن را هم در گفتار معزی نسبت به رستم می‌بینیم زیرا همچنانکه گفتم معزی بازگوی اندیشهٔ ترکمانان بود و پهلوان ملی یک ملت اصیل در برابر آنان می‌بایست از ارزش خود بازماند تا فرمان‌روایی آنان جلال و رونق تازه‌یی پذیرد. اما ببینید که فردوسی پاسخ یک ترک‌زاد جبّار جهانجوی را که دست در خون هزاران مرد و زن مسلمان و غیرمسلمان، فقط برای زخارف دنیوی، فرو برده بود، چگونه داد و چگونه با اهانت از درگاه او بیرون رفت. کاری که تمام همعصران او، آن همه توانایان آزمند، از عهدهٔ آن برنمی‌آمدند، تنها از فردوسی ساخته بود، زیرا همچنانکه گفتم او «مرد» بود، مردی به تمام معنای مردانگی و مردی که قبای مردانگی فقط بر قامت او دوخته شده بود.

او سرمشق هر ایرانی است که بخواهد واقعاً ایرانی باشد، سرمشق هر ایرانی که بخواهد درست فکر کند، درست سخن بگوید و درست رفتار کند؛ زیرا او میراث‌خوار واقعی پدرانی بوده که با «هومت» و «هوخت» و «هو و رشت» یعنی «اندیشهٔ نیک» و «گفتار نیک» و «کردار نیک» خوی گرفته بودند و هنوز روح آنان با پلیدیهای اهریمنی آلوده نشده بود. چگونه یک دهقان‌نژاد بزرگوار، از خاندان اصیل و شریف و اشرافی «دهقان»، که نمونهٔ تمام عیار نسب و حسب ایرانی بود، می‌توانست غیر از این باشد؟

در این چند سال اخیر دسته‌های گوناگون آمدند و رفتند و خواستند که زبان پارسی را از آلایشهای قرون و اعصار پاک کنند. نمی‌دانم تا کجا در کار خود توفیق یافته‌اند اما این را می‌دانم که هیچیک از آنان بدین اندیشه نیفتاد که به جای همه کوشش‌های بی‌بنیاد خود آموزش سخن فردوسی و همزمانان او را در آموزشگاههای ایران همگانی کند و از این راه خودبخود به همان نتیجه‌ای برسد که می‌خواهد. از این راه هر جوان ایرانی هم زبان درست پارسی را از راه طبیعت فرا خواهد گرفت و هم پرتوی از فرهنگ و خرد نیاکان خواهد پذیرفت و هم از اندرزها و حکمت‌ها و گفتارهای خردمندانه‌ای که فردوسی از زبان نیاکان خود برای ما بازگو کرده، و همه سرمشق‌های مردمی و

دستورهای انسانی هستند، توشه‌ای برای راه دشوار زندگانی برخواهد گرفت. دوست گرامی: فردوسی در درجه‌ای از بزرگواری و بلندی مقام است که مرد حقیر و کم‌مایه‌ای چون من نمی‌تواند به کنه عظمت او پی برد و آن را برای دوستی فاضل چون تو شرح دهد. زندگانی و کردارها و گفتارهای «مردان بی‌مرگ» خود به منزله شرح عظمت و علو مقام و مرتبه آنان است، بگذار تا فرزندان ایران در طول زمان و به قدر وسع و توانایی فکری خود به تدریج او را بشناسند و با او برای بازگرداندن ایران به عظمتی که شایسته و سزاوار آن است هم‌آواز گردند.

گور فراموش شده

کنار باغی که نزدیک تهران داشتم، دامن تپه‌ای را می‌شکافتند، ناگهان گوری کهن از زیر خاکستر قرون بیرون آمد. گویی زنی در آن آرام داشت که با گذشت زمان هنوز استخوانهایش با دسته‌ای موی بر جای مانده بود. از آن جایگاه عبرت شتابان دور شدم و تا شبانگاه آرام نیافتم. نیمه شب این ابیات به خاطر آمد:

همچو آتش در بن خاکستری
ز آن تن سیمین و چشم عبهری
همچو بی‌جان جسم و بی‌می ساغری
غالبه بر وی نه و مشک تری
تازه و خرم چو باغ پربری
بی‌خبر از برگ ریز آذری
چون بتی اندر کنار بتگری
همچو برگ یاسمن در بستری
سر نهاده بر زمین بی‌همسری
یا به خاکستر نهفته آذری
و آن دل‌انگیزی و آن افسونگری
با یکی غمدیده یار مضطری
با یکی بنهاده در پایت سری

ای غنوده در میان خاک سرد
باز مانده گوری و عظمی رمیم
سر به جای خویش و در وی مغز نی
جعد مشکین مانده بر جایست لیک
گرچه بودی روزگاری نوگلی
پای کوبان بر بساط فرودین
یا نشسته تنگ پیش عاشقی
یا غنوده با دلارامی به ناز
این زمانت خوش همی بینم خموش
چون گهر در توده خاک سیاه
یادت آید آن همه فرّ و فریب
یادت آید آن همه ناز و عتاب
با یکی افکنده در راحت دلی

ای به شیرینی تو روزی «شگری»
چون رها کردی تو قیس عامری؟
پیکر پرویز با زیب و فری؟
یا نهادی کودکی بی‌مادری؟
وز کدامین کشور و بوم و بری
آمدی اینجای یا با رهبری
یافتی آیا حیات درخوری
در جهان فارغ از شور و شری

وز چه مرزی و کدامین کشوری
یاد می‌نارد ز چون تو دلبری
وز فراموشیست بر تو زیوری
روزگار و روز از ما بهتری
وز جفای چرخ و کید اختری
نه سرت را آرزوی افسری

ز اینکه تنها باز خفته ایدری
از فنایی تا فنای دیگری...
کاوسیہ، ۱۵ تیرماه ۱۳۴۱

تلخ چون خفتی در اینجا، تلخ چون
باز گو، لیلای خفته در لحد
یا چو شیرین چون به خون بگذاشتی
مادری را سوختی در داغ خویش
از کدامین شهر بودی و دیار
بازگوی از سرگذشت خود که خود
و ندر اینجا چون به خاک اندر شدی
نیست گشتی یا که جانت باقیست

من ندانم کیستی یا چیستی
گر چه خفتی سالیان و هیچکس
ورچه مأوا ساختی در خامشی
لیک دانم کاندترین وادی تراست
نیست اینجایت غمی از کین دهر
نه تنت را احتیاج جامه‌ای

ماهرویا هیچگه غمگین مباش
کاین جهان ما گذرگاه‌یست سخت

کتاب‌شناسی آثار دکتر صفا

کتاب‌ها، مقالات و ترجمه‌ها





کتاب‌شناسی آثار دکتر صفا

الف - تألیفات

۱. تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان فارسی، مفصل‌ترین کتاب دکتر صفا و برجسته‌ترین اثر او در ۵ جلد و ۸ مجلد، این کتاب در میان سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۶۹ش به چاپ اول رسید و پس از آن هر یک از مجلدات آن بارها به طبع رسیده است. درین جا مندرجات هر مجلد و تاریخ نخستین چاپ آن داده می‌شود:

جلد اوّل: از آغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقی، در دو باب، باب اوّل: وضع سیاسی، اجتماعی، علمی و ادبی ایران از حمله عرب تا پایان قرن سوم هجری مشتمل بر چهار فصل. باب دوّم: وضع سیاسی، اجتماعی، علمی و ادبی ایران در قرن چهارم و نیمه اوّل قرن پنجم در چهار فصل. این جلد بار اول در سال ۱۳۳۲ش به چاپ رسید.

جلد دوّم: از میانه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم هجری. این جلد حاوی ۵ فصل: در فصل پنجم احوال ۷۰ تن از شعرای این عهد ذکر شده است. این جلد نخستین بار در سال ۱۳۳۴ش به طبع رسید.

جلد سوم: در ۲ مجلد، مجلد اوّل: از اوایل قرن هفتم تا پایان قرن هشتم هجری در ۵ فصل و در آخرین بخش کتاب احوال ۲۷ نفر از شاعران این دوره درج شده است. این

مجلد در سال ۱۳۵۱ ش برای نخستین بار چاپ شد.

مجلد دوم: ادامه مجلد پیشین و مشتمل بر احوال بقیه شاعران و نثرنویسان این دوره است و در سال ۱۳۵۲ ش چاپ شده است.

جلد چهارم: از پایان قرن هشتم تا اوایل قرن دهم هجری در ۵ فصل، در این جلد احوال ۴۸ شاعر و ۲۲ نثرنویس ذکر شده و در سال ۱۳۵۶ ش نخستین چاپ آن انتشار یافته است.

جلد پنجم: از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری در سه مجلد؛ مجلد اول: در پنج فصل و برای نخستین بار در سال ۱۳۶۲ ش چاپ شد.

مجلد دوم: مختص به احوال ۱۲۶ تن از شاعران این دوره و در سال ۱۳۶۴ ش برای اولین بار به چاپ رسید.

مجلد سوم: ادامه مباحث دو مجلد پیشین و مختص احوال نثرنویسان این دوره است. آخرین مجلد تاریخ ادبیات در سال ۱۳۶۹ ش برای اولین بار به چاپ رسید.

۲. تاریخ ادبیات ایران، جلد اول [خلاصه جلد اول و جلد دوم کتاب پیشین]، تهران، چاپ اول، ۱۳۳۵ ش.

۳. تاریخ ادبیات ایران، جلد دوم [خلاصه جلد سوم]، تهران، ۱۳۶۱ ش. این دو جلد را دکتر صفا از کتاب خود به منظور تدریس در دانشگاه‌ها تلخیص کرد و به چاپ رساند.

۴. حماسه‌سرایی در ایران، از قدیم‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری، این کتاب پایان نامه دکتری ادبیات مؤلف است و در سال ۱۳۲۴ ش برای اول بار به چاپ رسید و تاکنون بارها تجدید طبع شده است.

۵. تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا میانه قرن پنجم هجری، جلد اول این اثر است و مؤلف توفیق تألیف جلدهای بعد را نیافت. تهران، چاپ اول، ۱۳۳۱ ش.

۶. تاریخ مختصر تحوّل نظم و نثر پارسی، تهران، چاپ اول ۱۳۳۱ ش.

۷. تاریخ مختصر علوم و ادبیات ایرانی [تجدید چاپ مقالات مؤلف در کتاب ایران‌شهر]، تهران، چاپ اول ۱۳۴۷ ش.

۸. آئین سخن در معانی و بیان فارسی، تهران، چاپ اول، ۱۳۳۱ ش.
۹. دانش‌های یونانی در شاهنشاهی ساسانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۳۱ ش.
۱۰. احوال و آراء لایب‌نیتز فیلسوف مشهور آلمانی، چاپ اول مجله مهر، چاپ دوم ۱۳۲۸ ش.
۱۱. شاهنشاه در تاریخ و ادب ایرانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۲ ش.
۱۲. آئین شاهنشاهی ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۶ ش.
۱۳. دورنمایی از فرهنگ ایرانی و تأثیر جهانی آن، تهران، ۱۳۵۰ ش [۲۳۹ ص].
۱۴. نیکی‌نامه [سرگذشت نیکی و نیکوکاری در ایران]، تهران، چاپ اول ۱۳۵۰ ش.
۱۵. مذاهب تشیع در ایران.
۱۶. یادداشت‌هایی در باب آئین اوستائی.
۱۷. گاه‌شماری و جشن‌های ملی ایرانیان، [مجموعه مقالاتی که از سال ۱۳۱۰ ش به بعد در مجله‌های مهر، ایران امروز، ارتش و یغما چاپ شده است] تهران، چاپ اول، ۱۳۵۵ ش.
۱۸. آموزشگاه‌ها و آموزش‌ها در ایران از عهد قدیم تا دوران معاصر [مجموعه مقالات]، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۴ ش.
۱۹. نثر فارسی از آغاز تا عهد نظام‌الملک طوسی، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۷ ش.
۲۰. خلاصه تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از آغاز تا پایان عهد صفوی [مجموعه مقالات]، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش.
۲۱. مقدمه‌ای بر تصوف، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۴ ش.
۲۲. سیری در تاریخ زبان‌ها و ادب ایرانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۵ ش.
۲۳. احوال و آثار ابوریحان بیرونی، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۲ ش.
۲۴. حکیم فاراب، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۳ ش.
۲۵. نظری به تاریخ حکمت و علوم در ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۵ ش.
۲۶. دورنمایی از فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۰ ش.
۲۷. منظومه یادگار زریر، تهران، چاپ اول، ۱۳۲۱ ش.
۲۸. دلیران جانباز [مجموعه مقالات در ۳ بخش: ۱. نهضت‌های ملی ایرانیان،

۲. قهرمانان استقلال ایران، ۳. نگهبانان ایران] تهران، چاپ اول، ۱۳۵۵ ش. بخش دوم این اثر را انتشارات هیرمند تحت نام قهرمانان استقلال ایران در سال ۱۳۸۳ ش تجدید چاپ کرد.

۲۹. نگاهی به تاریخ ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۴ ش.

۳۰. رسالهٔ اخوان صفا، تهران، چاپ اول، ۱۳۳۰ ش.

۳۱. نشأهٔ جام، مجموعه‌ای از اشعار دکتر صفا، این اشعار را بین سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۵۵ ش سروده، خود وی آنها را گزینش کرده و همراه با مقدمه‌ای کوتاه در سال ۱۳۵۵ توسط انتشارات امیرکبیر به چاپ رساند.

۳۲. آموزش و دانش در ایران، مجموعه‌ای از مقالات مؤلف است که نویسنده تحریر جدیدی از آنها ارائه داد و به چاپ رساند. تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.

ب - تصحیحات

۳۳. دیوان عبدالواسع جبلی [۲ جلد]، تهران، چاپ اول، ۱۳۳۹ ش.

۳۴. دیوان سیف‌الدین محمد فرغانی [۳ جلد]، تهران، چاپ اول از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۴ ش.

۳۵. اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، تهران، چاپ اول، ۱۳۳۲ ش.

۳۶. داراب‌نامه محمد بیغمی [۲ جلد]، تهران، چاپ اول، ۱۳۳۹ و ۱۳۴۱ ش. هر دو جلد این کتاب توسط یونسکو با همکاری بنگاه ترجمه و نشر کتاب به انگلیسی ترجمه شد.

۳۷. ورقه و گلشاه عیوقی، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۳ ش. این کتاب را اسدالله سورن ملیکیان به فرانسه ترجمه کرد.

۳۸. داراب‌نامه طرسوسی [۲ جلد] تهران، ۱۳۴۴ و ۱۳۴۶ ش.

۳۹. بختیارنامه [جلد اول راحة الارواح اثر شمس‌الدین محمد دقائقی مروزی و جلد دوم برگرفته از یک متن قرن نهم به انضمام قدیم‌ترین ترجمه این کتاب از پهلوی به عربی]، تهران، چاپ اول [جلد ۱ / ۱۳۴۵ ش و جلد ۲ / ۱۳۴۷ ش].

۴۰. بهرام‌چوین [برگرفته از ترجمهٔ تاریخ طبری] شمارهٔ سوم از مجموعه

- شاهکارهای ادبیات فارسی، تهران، چاپ اول (؟)، چاپ دوم، ۱۳۴۳ ش.
۴۱. سفرنامه ناصر خسرو [گزیده]، شماره چهارم از مجموعه شاهکارهای ادبیات فارسی، تهران، چاپ اول، بی تاریخ.
۴۲. رستم و اسفندیار [از شاهنامه فردوسی]، شماره پنجم از مجموعه شاهکارهای ادبیات فارسی، تهران، چاپ اول، بی تاریخ، چاپ دوم، ۱۳۴۴ ش.
۴۳. چهار مقاله نظامی عروضی [گزیده]، شماره ششم از مجموعه شاهکارهای ادبیات فارسی، تهران، چاپ اول، بی تاریخ.
۴۴. رساله اقسام نفوس، از ابن سینا.
۴۵. تحریرات خواجه نصیرالدین طوسی.

ج - گزیده‌ها و مجموعه‌ها

۴۶. گنج سخن [۳ جلد] منتخبات شعر فارسی از رودکی تا بهار، جلد اول از رودکی تا انوری، تهران، چاپ اول ۱۳۳۹ ش؛ جلد دوم از نظامی تا جامی، تهران، چاپ اول ۱۳۳۹ ش، جلد سوم از فغانی تا بهار، چاپ اول ۱۳۳۹ ش. بر طبق مطلب مندرج در مجله دانشکده ادبیات تهران [سال ۱۶ / ۴۹۲] این کتاب به زبان فرانسه ترجمه شده است. ترجمه فرانسوی با عنوان: Anthologie de La Poésie Persane توسط انتشارات گالیمار Gallimara در سال ۱۹۶۴ در پاریس انتشار یافت.
۴۷. گنجینه سخن [۶ جلد]، منتخبات نثر فارسی با مقدمه‌ای مفصل راجع به تاریخ نثر فارسی، جلد اول تهران چاپ اول ۱۳۴۸ ش. جلد دوم چاپ اول ۱۳۴۸ ش. جلد سوم، چاپ اول ۱۳۴۸ ش. جلد چهارم چاپ اول ۱۳۵۰ ش، جلد پنجم چاپ اول ۱۳۵۳ ش. جلد ششم، چاپ اول ۱۳۶۳ ش.
۴۸. جشن‌نامه ابن سینا [۳ جلد]، جلد اول در سرگذشت و آراء ابن سینا، تهران، چاپ اول ۱۳۳۱ ش، در همان هنگام به فرانسه ترجمه و انتشار یافته است. جلد دوم و جلد سوم، مجموعه سخن‌رانی‌ها راجع به ابن سینا به زبان‌های عربی، فرانسوی و انگلیسی، جلد دوم در سال ۱۳۳۴ ش و جلد سوم در سال ۱۳۳۵ ش چاپ شد.
۴۹. یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی، مشتمل بر سخن‌رانی‌هایی درباره خواجه

نصیر، تهران، ۱۳۳۶ ش.

د - ترجمه‌ها

۵۰. کیانیان، کریستن سن، چاپ اول ترجمه، تهران، ۱۳۳۶ ش.
۵۱. مزداپرستی در ایران قدیم، کریستن سن، چاپ اول ترجمه، تهران، ۱۳۳۶ ش.
۵۲. رافائل، از آثار منشور لامارتین، چاپ اول ترجمه، تهران، ۱۳۱۷ ش.
۵۳. مرگ سقراط، از آثار منظوم لامارتین، چاپ اول ترجمه، تهران، ۱۳۱۴ ش.
۵۴. تربیت معلمین روستایی، اثر لورنچوفیلو، گریدی، پیرس و ایزیدروکاستلو، نشریه یونسکو، شماره ۱۱، تهران، ۱۳۳۴ ش.
- در فهرست خانبا با مشار نام دوا اثر دیگر دکتر صفا به شرح زیر درج شده که در جای دیگر اثری از آنها نیافتیم و در کتابخانه‌ها نسخه‌ای از آنها به دست نیامد.
۵۵. مادر دیوانه، چاپ تهران.
۵۶. نگهبانان ایران، چاپ تهران، ۱۳۳۳ ش [۱۰۸ صفحه رقعی].

فهرست مقالات

به ترتیب تاریخ انتشار

۱. «جشن مهرگان»، مهر، س ۱ [۱۳۱۲ ش]، صص ۵۵۵-۵۵۸ و ۶۳۲-۶۳۷ و ۷۱۰-۷۱۵ و ۷۹۳-۷۹۶ و ۹۱۰-۹۱۳ و ۹۶۶-۹۹۸.
۲. «جشن نوروز»، مهر، س ۲ [۱۳۱۳ ش]، صص ۷۹-۸۱ و ۱۶۵-۱۷۰ و ۲۷۳-۲۷۶ و ۳۷۷-۳۸۱.
۳. «شعوبیت فردوسی»، مهر، س ۲ [۱۳۱۳ ش]، صص ۶۱۹-۶۲۳.
۴. «رجوع به اصل»، مهر، س ۲ [۱۳۱۳ ش]، صص ۹۵۰-۹۵۳ و ۱۰۶۱-۱۰۶۴ و ۱۱۶۹-۱۱۷۳. [بحث لغوی و تلفظ لغات].
۵. «عمیق بخارائی»، مهر، س ۳ [۱۳۱۴ ش]، صص ۱۸۷-۱۸۸ و ۲۸۹-۲۹۵ و ۴۰۵-۴۱۱.
۶. «تاریخ تعلیم و تربیت در ایران از قرن هفتم تا قرن دهم»، مهر، س ۴ [۱۳۱۵ ش]، صص ۴۱-۴۸ و ۱۵۷-۱۶۴ و ۲۶۵-۲۷۴ و ۳۸۱-۳۸۸ و ۴۵۷-۴۶۴ و ۵۸۸-۵۹۶ و ۶۸۱-۶۸۸ و ۸۱۳-۸۳۶ و ۹۴۵-۹۵۲ و ۱۰۳۸-۱۰۴۱.

۷. «نقایدار خراسان» [المقنع هشام بن حکیم]، مهر، س ۴ [۱۳۱۵ش]، صص ۱۲۱۷-۱۲۲۶ و س ۵ [۱۳۱۶ش]، صص ۴۹-۵۷.
۸. «نثر فارسی و راه نگارش آن»، مهر، س ۶ [۱۳۱۷ش]، صص ۲۸۳-۲۹۱.
۹. «صخره بیستون و راه خواندن خط پارسی باستان» [ترجمه مقاله محمد مبروک نافع]، مهر، س ۶ [۱۳۱۷ش]، صص ۳۱۷-۳۲۲.
۱۰. «نامه غزالی به فخرالملک در ردّ تقاضای تدریس در نظامیه بغداد»، مهر، س ۶ [۱۳۱۷ش]، صص ۳۶۳-۳۶۷.
۱۱. «شعر فارسی» [نقص‌ها و طریق اصلاح آن]، مهر، س ۶ [۱۳۱۷ش]، صص ۴۳۱-۴۴۰.
۱۲. «خواجه نظام‌الملک»، ایران امروز، س ۲ ش ۱ [۱۳۱۹ش]، صص ۲۸-۳۰.
۱۳. «جشن سده»، ایران امروز، س ۲ ش ۱۲ [۱۳۱۹ش]، صص ۱۸-۲۰.
۱۴. «آموزشگاه‌های ایران اسلامی و سازمان آنها»، آموزش و پرورش، س ۱۱ ش ۵ و ۶ [۱۳۲۰ش]، صص ۲۲-۴۳ و ش ۷-۸ صص ۲۴-۳۸ و ش ۹-۱۰ صص ۲۲-۳۳ و س ۱۲ ش ۱ و ۲ صص ۲۵-۳۴.
۱۵. «یکی از قواعد متروک» [جمع‌های قدیم]، سخن، س ۱ [۱۳۲۲ش]، ص ۳.
۱۶. «جمع الف و نون»، سخن، س ۱ [۱۳۲۲ش]، ص ۸۴.
۱۷. «گودرزیان»، سخن، س ۱ [۱۳۲۲ش]، صص ۱۳۷-۱۴۳ و ۲۰۱-۲۰۸.
۱۸. «منظومه یادگار زریر»، سخن، س ۱ [۱۳۲۲ش]، صص ۳۰۱-۳۰۶ و ۳۷۷-۳۸۴ و ۴۷۵-۴۸۰.
۱۹. «بهم‌نامه»، آموزش و پرورش، س ۱۴ [۱۳۲۳ش]، صص ۱۳۶-۱۴۳.
۲۰. «بهم‌نامه»، جلوه، [۱۳۲۴ش]، صص ۵۰۵-۵۰۹.
۲۱. «کیان»، اندیشه ما، س ۱ ش ۶ [۱۳۲۴]، صص ۸-۱۲ و ش ۷ صص ۱۲-۱۳ و ۱۵.
۲۲. «خطابه آقای دکتر ذبیح‌الله صفا» [درباره کریستن سن]، نامه فرهنگستان، س ۴ ش ۱ [۱۳۲۵ش]، صص ۴۶-۵۳.
۲۳. «دهقانان»، آموزش و پرورش، س ۲۲ ش ۱ [۱۳۲۶ش]، صص ۳۹-۴۳.
۲۴. «درفش کاویان»، سالنامه کشور ایران، س ۲ [۱۳۲۶ش]، صص ۱۸-۲۲.

۲۵. «دارالعلم گندشاپور»، سالنامه دانشکده ادبیات تهران، [۱۳۲۶-۱۳۲۷ش]، صص ۵۳-۵۶.
۲۶. «داستان‌های ملی ایران»، پشتون، [۱۳۲۷ش]، س ۱ ش ۲ صص ۴-۶، ش ۳ صص ۴-۶، ش ۴ صص ۷-۸، ش ۵ صص ۴-۶، ش ۶ صص ۴-۶.
۲۷. «رستم»، پشتون، س ۱ ش ۱۱ [۱۳۲۷ش]، صص ۱۵-۲۲، ش ۱۲ صص ۱۱-۱۹.
۲۸. «بیمارستان گندشاپور»، شیر و خورشید سرخ، س ۱ ش ۲ [۱۳۲۷ش]، صص ۳-۴.
۲۹. «پزشک و فیلسوف بزرگ ایرانی ابوعلی سینا»، شیر و خورشید سرخ، [۱۳۲۷ش]، س ۱ ش ۴ صص ۲-۴.
۳۰. «آبان ماه»، شیر و خورشید سرخ، س ۱ ش ۶ [۱۳۲۷ش]، صص ۲-۴.
۳۱. «ترجمه و مترجمان در تمدن اسلامی و کیفیت انتقال طب و فلسفه و علوم ریاضی به اسلام»، شیر و خورشید سرخ، س ۱ ش ۱۲ [۱۳۲۷ش]، صص ۲-۶.
۳۲. «تقویم ایران قدیم»، یغما، س ۱ [۱۳۲۷ش]، صص ۱۰۶-۱۱۱.
۳۳. «علامه قزوینی»، آموزش و پرورش، س ۲۳ ش ۱۱ [۱۳۲۸ش]، صص ۱۰-۱۵.
۳۴. «نوروز»، اطلاعات ماهانه، س ۲ ش ۱ [۱۳۲۸ش]، صص ۱۱-۱۴.
۳۵. «ترجمه و مترجمان در تمدن اسلامی و کیفیت انتقال طب و فلسفه و علوم ریاضی به اسلام»، شیر و خورشید سرخ، س ۲ ش ۲ [۱۳۲۸ش]، صص ۲-۵، ش ۳ صص ۲-۴، ش ۴ صص ۵-۸، ش ۷ صص ۲-۴.
۳۶. «تاریخ طب و بیمارستان‌ها در ایران پیش از اسلام»، شیر و خورشید سرخ، س ۲ ش ۸ [۱۳۲۸ش]، صص ۳-۱۴، ش ۱۰ صص ۲-۱۶، س ۳ ش ۶ [۱۳۲۹ش]، صص ۵-۱۳.
۳۷. «داستان اسکندر و اسکندرنامه‌های منظوم و منثور»، آموزش و پرورش، س ۲۳ ش ۴ [۱۳۲۸ش]، صص ۷-۱۵ و ش ۵ صص ۱-۶.
۳۸. «اخوان الصفا»، ایندوایرانیکا، [۱۳۲۸ش / ۱۹۴۹م] س ۴ ش ۴ صص ۱-۹.
۳۹. «ابونصر فارابی فیلسوف بزرگ ایرانی»، اطلاعات ماهانه، س ۳، ش ۱۲ [۱۳۲۹ش]، صص ۱-۷.

۴۰. «پزشکی در ایران پیش از اسلام»، سالنامه کشور ایران، س ۵ [۱۳۲۹ش]، صص ۴۴-۶۰.
۴۱. «دانش یونانی در شاهنشاهی ساسانی»، دانش، س ۲ [۱۳۲۹ش]، صص ۲۶۲-۲۷۰ و ۳۶۶-۳۷۲.
۴۲. «برخی از نظرهای فلسفی ابوریحان و مختصری در مناقشات علمی او و ابن سینا»، ایندوایرانیکا، س ۵ ش ۴ [۱۳۲۹ش / ۱۹۵۱م] صص ۵-۱۲.
۴۳. «نفس و نیروهای آن در نظر ابن سینا»، نامه فرهنگ، س ۱ [۱۳۳۰ش]، صص ۲۴۳-۲۴۷ و ۲۸۹-۲۹۲ و ۳۷۷-۳۷۹.
۴۴. «مخالفان مشهور ابن سینا و داستان مخالفت با عقاید او»، نامه تمدن، س ۲ [۱۳۳۰ش]، صص ۳۰۱-۳۰۴ و ۳۵۵-۳۵۸.
۴۵. «علم طب در قرن چهارم»، شیر و خورشید سرخ، س ۴ ش ۷ [۱۳۳۰ش]، صص ۱-۲.
۴۶. «ورقی از تاریخ تمدن و فرهنگ ایران» [مذاهب ایران قدیم، ترجمه مقاله امیل بنونیست]، سخن، س ۴ [۱۳۳۱ش]، صص ۱۷-۲۰.
۴۷. «زردشت» [ترجمه از پ. ژ. دومناش]، سخن، س ۴ [۱۳۳۱ش]، صص ۱۷۳-۱۷۵.
۴۸. «ابن سینا در افسانه‌های عامیانه ایران»، سخن، س ۴ [۱۳۳۱ش]، صص ۶۰۱-۶۰۴ و ۶۹۹-۷۰۰.
۴۹. «اشتباه در فهم عبارات ابن سینا»، مهر، س ۸ [۱۳۳۱ش]، صص ۶۹۳-۶۹۹.
۵۰. «ترجمه‌های علمی عبدالله بن المقفع» [روزبه پسر دادویه]، یغما، س ۵ [۱۳۳۱ش]، صص ۱۹۳-۱۹۸.
۵۱. «بیت بوطاهر خسروانی»، سخن، س ۵ [۱۳۳۲ش]، صص ۷۴-۷۵.
۵۲. «شاعران جنگ جو»، اطلاعات ماهانه، س ۶ ش ۸ [۱۳۳۲ش]، صص ۱۸-۱۹ و ۴۴.
۵۳. «ترجمه رساله اقسام نفوس از ابوعلی سینا» [تصحیح]، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۲ ش ۱ [۱۳۳۲ش]، صص ۵۱-۷۲.
۵۴. «دو شاعر گمنام» [شاکر جلاب بخاری و یوسف عروضی]، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۲ ش ۳ [۱۳۳۳ش]، صص ۱-۷.

۵۵. «ملاحظات در باب قدیم ترین عهد آیین زردشتی» [ترجمه از کریستن سن]، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۲ ش ۳ [۱۳۳۳ش]، صص ۵۰-۹۲.
۵۶. «ابن سینا در داستان های ایرانی»، جشن نامه ابن سینا، ج ۲ [۱۳۳۴ش]، صص ۴۱۳-۴۲۹. نیز: مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۱ ش ۴، [۱۳۳۳ش]، صص ۷۹-۹۰.
۵۷. «تحریرات خواجه نصیرالدین طوسی»، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۳ ش ۴ [۱۳۳۴ش]، صص ۱۱-۲۰.
۵۸. «تسلط غلامان و قبایل زردپوست و آثار اجتماعی آن در ایران از میانه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم هجری»، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۴ ش ۱ [مهر ۱۳۳۵ش]، صص ۲۳-۸۱.
۵۹. «فرق شیعه در ایران از اواسط قرن پنجم تا اوایل قرن ششم»، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۴ ش ۲ [۱۳۳۵ش]، صص ۱-۴۱.
۶۰. «تحریرات خواجه نصیرالدین طوسی»، یادنامه خواجه نصیر، [۱۳۳۶ش]، صص ۱۵۳-۱۶۵.
۶۱. «چگونه باید نوشت؟» [حرف به]، سخن، س ۱۰ [۱۳۳۸ش]، صص ۱۳۶-۱۳۷.
۶۲. «چگونه باید نوشت؟»، سخن، س ۱۰ [۱۳۳۸ش]، صص ۴۶۱-۴۶۴.
۶۳. «سرگذشت سه هزار و پانصد ساله ایران»، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۷ ش ۲ [۱۳۳۸ش]، صص ۱-۳۵.
۶۴. «تاریخ ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران»، مرزهای دانش، [۱۳۳۹ش]، صص ۵۶-۶۶.
۶۵. «دورنمایی از سیر علوم و حکمت در ایران»، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۸ ش ۲ [۱۳۳۹ش]، صص ۱۳-۲۴.
۶۶. «استاد فقید من» [فاضل تونی]، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۹ ش ۳ [۱۳۴۰ش]، صص ۳۵-۳۷.
۶۷. «مقام شعر در زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۹ ش ۴ [۱۳۴۰ش]، صص ۱۷-۲۸.
۶۸. «سیر علوم و حکمت در ایران»، مرزهای دانش، ج ۳ [۱۳۴۱ش]، صص

۱۷-۳۲.

۶۹. «زبان در ایران»، کتاب ایرانشهر، ج ۱ [۱۳۴۲ش]، صص ۶۳۶-۶۴۶.
۷۰. «ادب در ایران»، کتاب ایرانشهر، ج ۱ [۱۳۴۲ش]، صص ۶۴۵-۶۹۴.
۷۱. «علم در ایران»، کتاب ایرانشهر، ج ۱ [۱۳۴۲ش]، صص ۶۹۵-۷۱۲.
۷۲. «مدرسه در ایران»، کتاب ایرانشهر، ج ۱ [۱۳۴۲ش]، صص ۷۱۴-۷۴۴.
۷۳. «کتاب و کتابخانه‌های ایران باستان»، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، س ۱ ش ۱ [۱۳۴۲ش]، صص ۱۰-۳۰.
۷۴. «شرح احوال دکتر ذبیح‌الله صفا»، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۱۱ [۱۳۴۲ش]، صص ۲۴۷-۲۴۹.
۷۵. «جستجوی حقایق تاریخی در داستان‌های ملی ایران»، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، س ۱ ش ۲ [۱۳۴۲ش]، صص ۱۳-۲۱.
۷۶. «ابن سینا»، سالنامه کشور ایران، س ۱۹ [۱۳۴۳ش]، صص ۲۳۸-۲۵۳.
۷۷. «عقاید حکمی محمد بن زکریای رازی»، ایرانیکا [چاپ استراسبورگ]، ج ۱ [۱۳۴۳ش]، صص ۵-۱۳.
۷۸. «چاشنی عرفان در شعر فارسی»، مهر، س ۱۰ [۱۳۴۳ش]، صص ۲۷۳-۲۷۵.
۷۹. «عقاید حکمی محمد بن زکریای رازی»، مهر، س ۱۰ [۱۳۴۳ش]، صص ۴۲۱-۴۲۷.
۸۰. «مقدمه تاریخ قومس» [نوشته عبدالرفیع حقیقت]، تهران، ۱۳۴۴ش.
۸۱. «عقاید حکمی محمد بن زکریای رازی»، سالنامه کشور ایران، ج ۲۰ [۱۳۴۴ش]، صص ۵۷-۶۶.
۸۲. «جست و جوی حقایق تاریخی در داستان‌های ملی ایران»، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۱۳ ش ۴ [۱۳۴۴ش]، صص ۹-۱۶.
۸۳. «اثر ایرانیان در ایجاد تمدن اسلامی»، مهر، س ۱۱ [۱۳۴۴ش]، صص ۸۶-۹۱.
۸۴. «جستجوی حقایق تاریخی در داستان‌های ملی ایران»، تلاش، ش ۳ [۱۳۴۵ش]، صص ۱۰۸-۱۱۱.
۸۵. «ترک در تاریخ و ادبیات ایرانی»، مهر، س ۱۲ [۱۳۴۵ش]، صص ۹۷-۱۰۴.

۸۶. «جستجوی حقایق تاریخی در داستان‌های ملی ایران»، مهر، س ۱۲ [۱۳۴۵ش]، صص ۳۸۵-۳۸۸.
۸۷. «جستجوی حقایق تاریخی در داستان‌های ملی ایران»، بررسی‌های تاریخی، س ۱ ش ۳ [۱۳۴۵ش]، صص ۲۳-۳۰.
۸۸. «سیر افکار در اشعار پارسی»، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۱۵ [۱۳۴۶ش]، صص ۱۳۷-۱۵۴.
۸۹. «صلح و داد در عرفان و ادب ایرانی»، مهر، س ۱۳، ش ۲ [۱۳۴۶ش]، صص ۴۰-۴۴ و ۵۳-۵۴.
۹۰. «عنایات سلاطین ایران به دانش و دانشمندان»، معارف اسلامی، ش ۴ [۱۳۴۶ش]، صص ۱۵-۱۹.
۹۱. «اثر ایرانیان در ایجاد تمدن اسلامی»، تلاش، ش ۴ [فروردین ۱۳۴۶ش]، صص ۵۰-۵۳.
۹۲. «صلح و داد در عرفان و ادب ایرانی»، تلاش، ش ۷ [۱۳۴۶ش]، صص ۶۵-۶۷.
۹۳. «داستان‌نویسی در ایران از دوران قدیم تا روزگار ما»، بررسی‌های تاریخی، ج ۳ [۱۳۴۷ش]، ش ۳ و ۴، صص ۱-۲۰.
۹۴. «میراث فردوسی»، بحثی درباره اصل و منشأ زبان پارسی، تلاش، ش ۱۲ [۱۳۴۷ش]، صص ۳۳-۳۵.
۹۵. «کشائیان و داستان‌های ملی ایران»، بررسی‌های تاریخی، ج ۳ ش ۶ [۱۳۴۷ش]، صص ۱-۱۰.
۹۶. «میراث فرهنگی ایران»، هنر و مردم، [دوره جدید]، ش ۷۷-۷۸ [۱۳۴۸ش]، صص ۲-۶.
۹۷. «شعر فارسی و جامعه ایرانی»، سخنانی‌های نخستین کنگره شعر در ایران، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، [۱۳۴۹ش]، صص ۱۲۲-۱۳۲.
۹۸. «قانع طوسی»، نامه مینوی، زیر نظر حبیب یغمائی و ایرج افشار، تهران، [۱۳۵۰ش]، صص ۲۹۹-۳۱۶.
۹۹. «سخنی درباره شاهنامه»، ۱۲ مقاله، مدرسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی، تهران، [۱۳۵۰ش]، صص ۱۵۱-۱۶۷.

۱۰۰. «مداومت و استمرار اندیشه‌ها و سنت‌های ایرانی در آثار فکری و ادبی ایرانیان»، راهنمای کتاب، س ۱۴ [۱۳۵۰ش]، صص ۴۵۱-۴۵۸.
۱۰۱. «درباره شعر فارسی»، کاوه [جدید]، مونیخ، س ۹ [۱۳۵۰ش]، صص ۱۰۴-۱۰۷.
۱۰۲. «اثر کوشانیان در داستان‌های ملی ایران»، یادنامه پنجمین کنگره بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ج ۲ [۱۳۵۱ش]، صص ۷-۱۲.
۱۰۳. «مردان بی‌مرگ» [درباره فردوسی]، سالنامه کشور ایران، س ۲۷ [۱۳۵۱ش]، صص ۱۷۷-۱۸۰.
۱۰۴. «سراجی سگزی»، مجله دانشکده ادبیات تهران، س ۱۹ ش ۱-۲ [۱۳۵۱ش]، صص ۴۵-۵۹.
۱۰۵. «دو اثر از استادالرئیس ابوریحان بیرونی» [درباره الآثار الباقیه عن القرون الخالیه و مآللهند]، گوهر، س ۱ [۱۳۵۱ش]، صص ۴۸۹-۴۹۶.
۱۰۶. «مقام بیرونی در ادبیات»، پیام، ش ۵۹ [تیر ۱۳۵۳ش]، صص ۳۰-۳۲.
۱۰۷. «امین‌الدین بلیانی»، نخستین کنگره تحقیقات ایرانی، به کوشش دکتر غلامرضا ستوده، ج ۲ [۱۳۵۳ش]، صص ۶۶-۷۲.
۱۰۸. «مفاهیم سیاست فرهنگی در ایران»، روابط بین‌الملل، ج ۱ ش ۳ [۱۳۵۳ش]، صص ۲۰-۳۰.
۱۰۹. «مفاهیم سیاست فرهنگی ایران»، نگین، ش ۱۱۴ [آبان ۱۳۵۳ش]، صص ۳ و ۶۷.
۱۱۰. «گزارش احوال ابوریحان بیرونی»، یادنامه بیرونی [مجموعه سخنرانی‌های فارسی]، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، تهران [۱۳۵۳ش]، صص یک-سی و یک.
۱۱۱. «جریان‌های ادبی در آسیای مرکزی و نواحی مجاور آن»، ایندو ایرانیکا، کلکته، [۱۳۵۴ش/م ۱۹۷۶]، ج ۲۹ ش ۱-۴، صص ۱-۸.
۱۱۲. «محیط علمی و فرهنگی عصر فارابی»، ابونصر فارابی [مجموعه خطابه‌های تحقیقی به کوشش ایرج افشار]، تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، [۱۳۵۴ش]، صص ۱-۶.

۱۱۳. «تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها»، مجلس علمی انجمن استادان [گزارش نخستین مجلس علمی استادان زبان و ادبیات فارسی، زیر نظر دکتر مهدی محقق]، ج ۱ [۱۳۵۴ش]، صص ۴۵-۵۲.
۱۱۴. «مقدمه‌ای بر تصوف تا عهد مولوی»، بررسی‌هایی درباره مولوی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، [۱۳۵۴ش]، صص ۱-۵۲.
۱۱۵. «درگذشت استاد مجتبی مینوی»، سخن، س ۲۵ [۱۳۵۵ش]، صص ۸۹۷-۸۹۵.
۱۱۶. «سخنی درباره شاهنامه»، مجموعه سخن‌رانی‌های دومین جشن طوس، تهران، انتشارات سروش، [۱۳۵۵ش]، صص ۱۹۷-۲۰۳.
۱۱۷. «راز ماندگاری شاهنامه»، تماشا، ش ۲۶۸ [تیر ۱۳۵۵ش]، صص ۳۰.
۱۱۸. «درباره بزرگداشت دقیقی»، یادنامه دقیقی طوسی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، [۱۳۵۵ش]، صص ۱-۷.
۱۱۹. «منظومه یادگار زریر، یادنامه دقیقی طوسی» [مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات به مناسبت مجلس بزرگداشت هزاره دقیقی طوسی در دانشگاه فردوسی]، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر [۱۳۵۵ش]، صص ۸-۳۲.
۱۲۰. «نگاه‌داشت سنت‌های ملی در گیرودار تحولات اقتصادی و اجتماعی»، فرهنگ و زندگی، ش ۲۴ [زمستان ۱۳۵۵ش]، صص ۳۲-۳۷.
۱۲۱. «کلام و شعر و قافیه»، بنیاد، س ۱ ش ۵ [۱۳۵۶ش]، صص ۱۴-۱۷.
۱۲۲. «برندق خجندی» [ابن نصرت]، گوهر، س ۵ [۱۳۵۶ش]، صص ۵۹۰-۵۹۵ و ۶۶۴-۶۷۰ و ۷۴۵-۷۵۰.
۱۲۳. «نقش زبان ملی در وحدت ملی»، فرهنگ و زندگی، ش ۲۵ و ۲۶ [۱۳۵۶ش]، صص ۵-۲۲.
۱۲۴. «درگذشت مجتبی مینوی»، پانزده گفتار درباره مجتبی مینوی، به کوشش ایرج افشار، تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، [۱۳۵۶ش]، صص ۱۳۳-۱۴۰.
۱۲۵. «اقبال آخرین نقطه تکامل فکر اسلامی هندی در ادبیات فارسی»، هنر و مردم [ویژه نامه ایران و پاکستان]، ش ۲ [آبان ۱۳۵۶ش]، صص ۲۹-۳۲.
۱۲۶. «استاد ذبیح‌الله صفا»، جشن‌نامه [نشریه شورای عالی فرهنگ و هنر]، ش ۲ [۱۳۵۶ش]، صص ۱-۳.

۱۲۷. «نبرد شریعت با طریقت»، ایران زمین [چاپ آلمان]، س ۱ ش ۳-۴ [۱۳۶۰ش]، صص ۴۱-۴۷ و ش ۵-۶ صص ۳۹-۴۳.
۱۲۸. «حماسه‌های تاریخی و دینی در عهد صفویه»، ایران نامه، س ۱ ش ۱ [پاییز ۱۳۶۱ش]، صص ۵-۲۱.
۱۲۹. «خواجه شاپور تهرانی و خاندان او»، ایران نامه، س ۱ [۱۳۶۲ش]، صص ۵۰۲-۵۱۰.
۱۳۰. «سعدی و سیف فرغانی»، ایران نامه، س ۳ ش ۴ [تابستان ۱۳۶۴ش]، صص ۶۷۵-۶۸۱.
۱۳۱. «یادی از استاد بهار»، ایران نامه، س ۵ [۱۳۶۵ش]، صص ۱۵۲-۱۵۶.
۱۳۲. «مخالفت عالمان شرع با دانش‌های عقلی و سهم غزالی و هم‌اندیشگانش در واپسین سده‌های تاریخ اسلامی در این ستیزندگی‌ها»، ایران نامه، س ۴ ش ۴ [تابستان ۱۳۶۵ش]، صص ۵۷۱-۵۸۲.
۱۳۳. «ماجرای تحریم ابومسلم نامه»، ایران نامه، س ۵ ش ۲ [زمستان ۱۳۶۵]، صص ۲۳۳-۲۴۹.
۱۳۴. «زبان فارسی و وحدت ملی»، نامواره دکتر محمود افشار، به کوشش ایرج افشار، ج ۲ [۱۳۶۵ش]، صص ۶۵۷-۶۸۳.
۱۳۵. «زندگی و شعر حافظ»، خواندنی‌های قرن، به کوشش محمود طلوعی، تهران، [۱۳۶۵ش]، صص ۲۰۶-۲۱۲.
۱۳۶. «یادی از استاد»، ایران نامه، س ۵ ش ۴ [تابستان ۱۳۶۶]، صص ۶۲۵-۶۳۴.
۱۳۷. «صفا و معین»، مجموعه مقالات دکتر محمد معین، به کوشش دکتر مهدخت معین، ج ۲، تهران، [۱۳۶۷ش]، صص یازده-سیزده.
۱۳۸. «اندیشه‌ای پر بار از سنت‌های ایرانی»، کارنامه همایی، به کوشش عبدالله نصری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، [۱۳۶۷ش]، صص ۳۱۴-۳۱۶.
۱۳۹. «اندرز»، ایران نامه، س ۷ ش ۳ [بهار ۱۳۶۶ش]، صص ۳۸۳-۴۰۴.
۱۴۰. «اشاره‌ای کوتاه به داستان‌گزاران و داستان‌گزاری تا دوره صفویه»، ایران‌شناسی، س ۱ ش ۳ [۱۳۶۸ش]، صص ۴۶۳-۴۷۱.
۱۴۱. «اشاره‌ای کوتاه به داستان‌گزاران و داستان‌گزاری تا دوره صفویه»، کلک، ش ۶۱-۶۴ [تیر ۱۳۴۷]، صص ۹-۱۶، تجدید چاپ مقاله پیشین.

۱۴۲. «توحید ایرانی و مسئله ثنویت»، ره آورد [چاپ لوس آنجلس]، ش ۲۳ [بهار و تابستان ۱۳۶۸ ش]، صص ۴-۸.
۱۴۳. «شرایط اجتماعی و سیاسی ایران بعد از سقوط شاهنشاهی ساسانی و اثر آن در ترجمه و تدوین روایت‌های ملی تا نظم شاهنامه‌ها و داستان‌های قهرمانی»، سخنرانی در کنگره فردوسی در دانشگاه واشنگتن، [۱۱ اسفند ۱۳۶۸ ش].
۱۴۴. «شرایط اجتماعی و سیاسی ایران...» [همان سخنرانی]، چاپ در: ایران‌شناسی، س ۲ [۱۳۶۹ ش]، صص ۲۳۹-۲۴۷.
۱۴۵. «اشاره‌ای کوتاه به تحریر داستان‌ها در دوران صفوی» [داستان‌های مذهبی]، ایران‌شناسی، س ۲ [۱۳۶۹ ش]، صص ۷۲۴-۷۲۹.
۱۴۶. «تاریخ داستانی ایران در مآخذ باستانی»، سخنرانی در دانشگاه کلن آلمان، [۲۵ شهریور ۱۳۶۹ ش].
۱۴۷. «نظری به مآخذ شاهنامه و دیگر حماسه‌های ملی»، سخنرانی در کنگره هزاره شاهنامه فردوسی در دانشگاه تهران، [۱۳۶۹ ش].
۱۴۸. «فردوسی و ایران و هزار سال شاهنامه»، آرمان، ش ۸-۹ [دی ۱۳۶۹ ش]، صص ۱۶-۲۳ [همراه با مصاحبه با گروهی دیگر].
۱۴۹. «رزم‌نامه سگاووند کوه»، هفتاد مقاله [ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی]، به کوشش دکتر یحیی مهدوی و ایرج افشار، ج ۱، تهران، [۱۳۶۹ ش]، صص ۷۱-۸۰.
۱۵۰. «ملاحظات درباره داستان اسکندر مقدونی و اسکندرنامه‌های فردوسی و نظامی»، ایران‌شناسی، س ۳ [۱۳۷۰ ش]، صص ۴۶۹-۴۸۱.
۱۵۱. «سخنی درباره شاهنامه»، فردوسی و شاهنامه، به کوشش علی دهباشی، تهران، نشر بدر، [۱۳۷۰ ش]، صص ۲۹۷-۳۰۸.
۱۵۲. «تاریخ داستانی ایران در مآخذ باستانی»، بزرگداشت شاهنامه فردوسی [یادنامه کنگره‌ای که در استرالیا برگزار شد]، کلن آلمان، [۱۳۷۰ ش].
۱۵۳. «نامه استاد دکتر ذبیح الله صفا»، نامواره دکتر محمود افشار، به کوشش ایرج افشار، تهران، [۱۳۷۰ ش]، صص ۲۲-۲۳.
۱۵۴. «صائب تبریزی و شیوه سخنوری در عهد صفوی»، صائب و سبک هندی، به

- کوشش محمد رسول دریاگشت، تهران، [۱۳۷۱ ش]، صص ۴۸۹-۵۰۰.
۱۵۵. «نظری اجمالی به دو داستان در ادب پارسی» [قیس و عروه]، ایران‌شناسی، س ۵ [۱۳۷۲ ش]، صص ۷-۱۳.
۱۵۶. «نظری به مآخذ شاهنامه و دیگر حماسه‌های ملی»، نمیرم ازین پس که من زنده‌ام [مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی]، به کوشش دکتر غلامرضا ستوده، تهران، [۱۳۷۴ ش]، صص ۴۷-۵۵.
۱۵۷. «کتاب و کتابخانه در فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی»، متن سخنرانی در کنگره کتاب و کتابخانه در مشهد، [شهریور ۱۳۷۴ ش].
۱۵۸. «اوضاع دینی ایران در دوران صفویه»، ایران‌نامه، س ۱۳ [۱۳۷۴ ش]، صص ۳۷۲-۳۷۷.
۱۵۹. «بررسی آثار منظوم و منثور عبید زاکانی»، عبید زاکانی، به کوشش بهروز صاحب‌اختیاری و حمید باقرزاده، تهران، اشکان، [۱۳۷۵ ش]، صص ۱۵۷-۱۷۴.
۱۶۰. «منشأ قصه لیلی و مجنون، سخنواره» [پنجاه و پنج گفتار پژوهشی به یاد دکتر پرویز ناتل خانلری]، به کوشش ایرج افشار و هانس رویمر، تهران، [۱۳۷۶ ش]، صص ۳۶۷-۳۷۷.
۱۶۱. «موضوع رؤیت امامان»، ایران‌شناسی، س ۱۱ [۱۳۷۸]، صص ۴۹۴-۵۰۰.
۱۶۲. «شیخ علاءالدوله سمنانی»، فرهنگ قومس، [پاییز ۱۳۷۹ ش].
۱۶۳. «سعدی و سیف فرغانی»، حافظ، ش ۲۹ [۱۳۸۵ ش]، ص ۵۷.

فهرست مقالات

در بررسی و نقد آثار دکتر صفا

۱. زریاب خوئی، دکتر عباس: تاریخ ادبیات در ایران [نقد و بررسی و معرفی جلد اول]، مجله سخن، سال ۵ ش ۷ [مرداد ۱۳۳۳ ش] صص ۵۶۶-۵۶۷.
۲. خانلری، دکتر پرویز ناتل، تاریخ ادبیات در ایران [بررسی و معرفی جلد دوم] مجله سخن، سال ۸ ش ۱۱-۱۲ [اسفند ۱۳۳۶ ش] صص ۱۱۴۷-۱۱۴۹.
۳. زریاب خوئی، دکتر عباس، دیوان عبدالواسع جلی، [بررسی و معرفی جلد اول] مجله سخن، سال ۱۱ ش ۵ [شهریور ۱۳۳۹ ش] صص ۶۰۸-۶۰۹.
۴. محجوب، دکتر محمد جعفر، داراب نامه، [نقد و بررسی جلد اول داراب نامه بیغمی]، مجله راهنمای کتاب، سال چهارم ش ۱ [فروردین ۱۳۴۰ ش] صص ۴۴-۵۰. بخش دوم در راهنمای کتاب، سال ۴ ش ۲، [اردیبهشت ۱۳۴۰ ش] صص ۱۴۸-۱۵۴.
۵. پروین گنابادی، محمد، داراب نامه، [نقد و بررسی جلد اول داراب نامه بیغمی] مجله سخن، سال ۱۲ شماره ۱ [خرداد ۱۳۴۰ ش]، صص ۹۲-۱۰۸.
- تجدید چاپ در «گزینه مقاله‌ها» مجموعه مقالات محمد پروین گنابادی، تهران، ۱۳۵۶ ش صص ۳۵۵-۳۶۵.
۶. فرزانه پور، غلامرضا، چند کتاب از دکتر صفا، مجله یغما، سال ۱۴ ش ۳ [خرداد ۱۳۴۰ ش] صص ۱۳۶-۱۴۲. معرفی تفصیلی چند اثر از دکتر صفا به این شرح: گنج سخن، دیوان عبدالواسع جلی، داراب نامه بیغمی و تاریخ ادبیات در ایران. مقرر بود

- که نامبرده سایر تألیفات دکتر صفا را در مجله یغما معرفی کند، اما دنباله مقاله نانوشته مانده یا به چاپ نرسیده است.
۷. پروین گنابادی، محمد، گنج سخن، [نقد و بررسی ۳ جلد این کتاب]، مجله راهنمای کتاب، سال ۵ ش ۲ [اردیبهشت ۱۳۴۱ ش]، صص ۱۶۱-۱۶۵.
۸. منشی زاده، دکتر داود، ورقه و گلشاه عیوقی [برخی ملاحظات و بررسی های انتقادی]، مجله راهنمای کتاب، سال ۱۱ ش ۶ [شهریور ۱۳۴۷ ش] صص ۳۳۶-۳۳۹.
۹. یوسفی، دکتر غلامحسین، نشأه جام، [در نقد این کتاب]، مجله راهنمای کتاب، سال ۲۰ ش ۳ و ۴ [خرداد-تیر ۱۳۵۶ ش] صص ۳۰۱-۳۰۴.
۱۰. روحانی، کاظم، تاریخ علوم عقلی، [نقد و بررسی] نامه انجمن کتابداران ایران، سال ۱۱ [۱۳۵۷ ش] صص ۲۵۳-۲۵۷.
۱۱. ترابی، دکتر محمد، تاریخ ادبیات در ایران، [بررسی و معرفی بخش اول جلد پنجم] مجله آینده، سال ۹ ش ۷ [مهر ۱۳۶۲ ش] صص ۵۴۷-۵۵۰.
۱۲. ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، ادبیات ایران در عصر صفوی و افشاری، [نقد و بررسی بخش اول جلد پنجم تاریخ ادبیات در ایران]، مجله نشر دانش، سال ۴ ش ۵ [مرداد-شهریور ۱۳۶۳ ش] صص ۴۶-۴۹.
۱۳. متینی، دکتر جلال، تاریخ ادبیات در ایران، ایران نامه، سال ۳ [۱۳۶۳ ش] صص ۳۳۳-۳۴۱.
۱۴. ترابی، دکتر محمد، با «نشأه جام» [نگاهی به مجموعه شعر استاد صفا]، مجله ایران شناسی، سال ۳ ش ۱ [بهار ۱۳۷۰ ش]، ویژه جشن نامه استاد ذبیح الله صفا، صص ۹۸-۱۰۹.
۱۵. ندیم، مصطفی، معرفی و بررسی کتاب کیانیان، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال اول ش ۱۲ [مهر ۱۳۷۷ ش] صص ۱۶-۱۹.
۱۶. خرمشاهی، بهاء الدین، نظری به «تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی»، جشن نامه استاد ذبیح الله صفا، به کوشش دکتر سید محمد ترابی، تهران، نشر شهاب، ۱۳۷۷ ش، صص ۲۲۳-۲۳۵.
۱۷. سجادی، ضیاء الدین، داراب نامه، جشن نامه استاد ذبیح الله صفا، به کوشش دکتر سید محمد ترابی، تهران، نشر شهاب، ۱۳۷۷ ش صص ۳۱۸-۳۲۹.
۱۸. تقوی، سید محمد ناصر، مزدپرستی در ایران قدیم [نقد و بررسی]، مجله کتاب ماه دین، شماره ۵۳-۵۴ [اسفند ۱۳۸۰-فروردین ۱۳۸۱ ش] صص ۶۱-۶۴.

مقالات دکتر صفا در دانشنامه ایرانیکا

1. Badī' Balkī (بدیع بلخی), Vol. III: 377.
2. 'Arūzī, Yūsof (عروزی، یوسف), Vol. II: 679.
3. Abu' l-Hayjā Najmī (ابوالهیجا نجمی), Vol. I 315 - 16
4. Bassām-e Kord (بسام کرد), Vol. III . 855 - 59.
5. Baššār - E Margāzī بشار مرغزی Vol, III: 856
6. 'Abd-Al-Vāse' Jabalī (عبدالواسع جبلی), Vol. I: 171-172.
7. Adīb Šāber (ادیب صابر), Vol: 460 - 461
8. Besāṭī Samarqandī (بساطی سمرقندی) Vol. IV: 171
9. 'Arabšāh, 'Emād-al-darām (عربشاه، عمادالدین) Vol. II: 243
10. Borhān Balkī (برهان بلخی), Vol. IV: 368
11. Badašī Samarqandī (بدخشی سمرقندی), Vol. III: 362
12. Ebn Noṣrat, Amir Bahā'-Al-Dīn Barandaq kojandī (ابن نصرت), Vol. VIII: 44
13. Farīd Esfarāyenī, Malek-al- Šo'ara' kōāja Farīd-Al- Dīn Aḥwal (فرید), Vol. IX: 280 (اسفراینی)
14. Ebn ḥosām Kōāfī, Moḥammad (ابن حسام خوافی (خوسفی)، محمد), Vol. VIII:

15. Aṭīr Owmānī (اثیر عمانی) Vol. III: 12 - 13
16. Borhān Nafīs (برهان نفیس), Vol. IV 368 - 9
17. Badrī Kašmīrī (بدری کشمیری), Vol. III: 383
18. Ārefī Heravī (عارفی هروی) II: 392-3
19. Eṣmat Bokārī, Kōāja 'Eṣmat-Allāh (عصمت بخارایی), Vol. VII: 638
20. Bahrāmī Sarakṣī (بهرامی سرخسی), Vol. III. 526
21. Bahā,-Al-Dīn Baḡdādī (بهاءالدین بغدادی), Vol. III. 430-431
22. Bondār Rāzī (بندار رازی), IV: 350
23. 'Aṣṣār Tabrīzī (عصار تبریزی), Vol. II. 803
24. Faṣīḥī Heravī, Mīrzā Faṣīḥ-Al-Dīn (فصیحی هروی), Vol. IX 392
25. Hamgar, Majde (همگر، مجد), Vol. XI: 638
26. Dawlatšāh, Amir (دولتشاه، امیر), Vol. VII 149-150
27. Aṭīr Aksīkatī (اثیر اخسیکتی), Vol. III. 12
28. Awḥad-Al-Dīn Kermānī (اوحادالدین کرمانی), Vol. III: 118-119
29. Bostī, Abu'l-Faṭḥ (بستی، ابوالفتح), Vol. IV: 388
30. Bābā Faḡānī (بابا فغانی), Vol. III: 291
31. Bahmanjana (بهمنجنه), Vol. Vol. III: 499
32. Ḥosn o Del (حسن و دل), Vol. XII: 520 - 521
33. Banā' ĪHeravī (بنایی هروی), Vol. Vol: III: 664 - 68
34. Bākarzī, Abu'l-Qāsem 'Alī' (باخرزی، عبدالقاسم علی), Vol. Vo: III: 534
35. Dā' Ī Šīrāzī, al Dā'ī ela Allāh Sayyed Neẓām-alDīn (داعی شیرازی), Vol. VI: 598
36. Besmel šīrāzī IV: 171
37. Hātef, Sayyed Aḥmad Eṣfahānī (هاتف، سید احمد اصفهانی), Vol. XII: 54 - 55
38. A ادبیات اندرزی

مقالات به زبان‌های اروپایی*

1. Al - Birūnī, Ses Oeuvres et ses Pensées Tèran, 1973 (1352).
2. Djalāl al - Din Mawlavi, grand Penseurb et poete ersan. Tèran, 1974 (1353) 3. Anthologie de la poésie persane (XI-XX,èmes siècles) Paris, Gallimard, 1964. Deuxème édition, 1970.
4. Le Livre du Millenaire d'Avicenne Tèhèran, 1953 (1332)
5. Un aperçu sur l'évolution de la pensée à travers la poésie persane Tééran, 1969 (1348) 6. Comparaison des origines et des sources des deux contes persans "Iejli et Madjnoun" de Nizāmi et "Varqah et Golchāh" de 'Ayouqi.
7. Die verlorenen Werke eines Wissen Schaftlich orientierten Schriftsellers (le Courriet de L'Unesco nr. 61 1974)
- (اصل این مقاله به فرانسه تهیه و در لوکوریه چاپ شده و در همان حال به آلمانی و روسی و عربی و چند زبان دیگر در همان مجله که به زبانهای گوناگون همزمان طبع می‌شوند، درج گردیده است).
8. La prose rythmique persane (l'Asiathèque 1976)

* فهرست این مقالات عیناً از کتاب جشن‌نامه استاد صفائیر دکتر ترابی برگرفته شده است.





جشن نامه صفا

این اثر که نام کامل آن جشن نامه استاد ذبیح الله صفاست به اهتمام دکتر سید محمد ترابی استاد ادبیات و از شاگردان وفادار دکتر صفا فراهم آمده و ظاهراً تنها مجموعه‌ای است که تاکنون از برای بزرگداشت این استاد برجسته و ممتاز دانشگاه تهران انتشار یافته است.

این کتاب مجموعه‌ای از ۳۷ مقاله پژوهشی در حوزه مطالعات و تحقیقات ایرانی است و چند مقاله آن به بررسی آثار دکتر صفا و زندگی‌نامه وی اختصاص پیدا کرده است. در مقدمه‌ای که دکتر ترابی بر این کتاب نوشته، نخست گزارش زندگی و احوال دکتر صفا را به طور فشرده و مختصر ارائه داده و سپس به معرفی دقیق کتاب‌ها و تألیفات و تصحیحات وی می‌پردازد. بر اساس پژوهش دکتر ترابی آثار و تألیفات دکتر صفا مشتمل بر ۴۳ عنوان است که اکثر آنها به زبان فارسی است و چند مقاله و کتاب هم وی به زبان‌های اروپایی نوشته است. وی سپس گزیده مقالات دکتر صفا در دانشنامه ایرانیکا و برخی دائرالمعارف‌ها و نشریات را شناسانده است. کتاب پس از مقدمه دکتر ترابی، با منظومه مفصل و خواندنی دکتر حسین خطیبی که خطاب به همدرس و دوست دیرینش سروده آغاز می‌گردد. بیت نخست این منظومه چنین است:

گویم از خود وز شب دی‌جور خویش از کتاب نفثة المصدور خویش
شعر خطیبی محکم و روان و متضمن شکوائیه از روزگار و یادآوری دوران گذشته

است و ۲۳۰ بیت دارد.

درین جا برخی از مهمترین مقالات دیگر این مجموعه را همراه با نام نویسندگان آنها ذکر می‌کنیم: مانی و حکمت و اعمال از دکتر محسن ابوالقاسمی، حافظ و آهوی وحشی از دکتر محمد علی اسلامی ندوشن، سفرنامه‌های فارسی تا روزگار استقرار مشروطیت از ایرج افشار، نوروزنامه خیام از منوچهر امیری، عشره منتشره از محمد ابراهیم باستانی پاریزی، خدمات مطبوعاتی استاد صفا از دکتر ناصرالدین پروین، توقیعات عهد ساسانی از احمد تفضلی، دکتر صفا، مطبوعات و سیاست از دکتر محمدرضا جلالی نائینی، سراینده کوش‌نامه از دکتر جلال متینی، فردوسی و شاهنامه او از دکتر محمد دامادی، شاعران همشهری و هم عصر نظامی از دکتر محمد امین ریاحی، داراب‌نامه از دکتر ضیاءالدین سجادی، سفینه‌ای از شعرهای عرفانی قرن چهارم و پنجم از دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، سیصد و سیزده از دکتر مصطفی مرقبی و...

از جمله مقالات مفید این جلد که اختصاص به شخص دکتر صفا دارد مقاله «دکتر صفا، مطبوعات و سیاست» نوشته دکتر جلالی نائینی است. جلالی در این مقاله، ضمن توجه دادن به وقایع سیاسی دوره رضاشاه و دهه اول محمدرضا شاه که در آن ادوار دکتر صفا علاقه‌ای به سیاست داشت — از نشریه شباهنگ یاد می‌کند که با موضوعات سیاسی توسط صفا منتشر می‌شد. صفا در این نشریه مدافع استقلال و تمامیت ارضی ایران بود و بعداً امتیاز مجله سخن را گرفت و با همکاری دکتر پرویز خانلری آنرا منتشر می‌کرد. شباهنگ هم به روزگار صدارت قوام‌السلطنه در بهمن ۱۳۲۴ ش توقیف شد.

مقاله آموزنده دیگر، نوشته دکتر ناصرالدین پروین تحت عنوان «خدمات مطبوعاتی استاد صفا» است. دکتر پروین در این مقاله مجله‌ها و نشریاتی را که دکتر صفا تأسیس یا تصدی کرده برمی‌شمارد. او با اتخاذ روش تاریخی، نشریات دکتر صفا را معرفی کرده است. سردبیری مجله مهر در سال ۱۳۱۲ ش، صاحب امتیاز و مدیر مسئول مجله سخن در سال اول انتشار، هفته‌نامه شباهنگ در سال ۱۳۲۳ ش، مدیریت مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، مدیریت مجله شیروخورشید سرخ ایران، عناوین فعالیت‌های مطبوعاتی دکتر صفاست که در این مقاله به طور مبسوط گزارش شده است.

برخی نویسندگان دیگر نیز در سرآغاز مقاله خود، مطالبی را به شخص دکتر صفا اختصاص داده‌اند، از جمله دکتر محمد علی اسلامی ندوشن در مقدمه مقاله خود تحت عنوان «حافظ و آهوی وحشی» از روزگار شاگردی خود نزد صفا مطالبی بیان داشته و ایرج افشار هم در سرآغاز مقاله سفرنامه‌های فارسی تا روزگار استقرار مشروطیت به طور مختصر اشاره‌ای به شاگردی خود نزد دکتر صفا در دبیرستان فیروز بهرام دارد. متن کامل جشن‌نامه دکتر صفادر ۴۹۴ صفحه و ۳۴ صفحه مقدمه و ۱۶ صفحه عکس در سال ۱۳۷۷ ش به اهتمام دکتر سید محمد ترابی در تهران به چاپ رسیده است.